

۲ سیاست

کشمکش بر سر حجاب
تقابل بر سر اجرای یک قانون ناقص

۶ توسعه

تنگنای ارزی
درباره مرکز مبادله ارز و طلا

۷ کوچه

ورشکستگی آبی
چرا سدهای تهران خالی شد؟

۷ رسانه

تشکیل نهاد حکمیت
دادرسی در انجمن صنفی روزنامه نگاران تهران

اوج تنش، نزدیک است

ناگفته‌هایی از تهدید ایران توسط آمریکا



محسن هاشمی رفسنجانی
رئیس شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

شرایط کشور در وضعیت حساسی قرار دارد به‌خصوص پس از یادداشت اجرایی فشار حداکثری ترامپ و سخنان رهبر معظم انقلاب در رابطه با رد مذاکره با آمریکا و نامه ترامپ به ایران، نخبگان سیاسی نزدیکی خطر را احساس می‌کنند. در این شرایط مشغول آماده کردن خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سال‌های ۸۲ و ۸۳ بودم لذا مناسبت دیدم با بازبینی تجربه‌ای مشابه میان ایران و غرب در ۲۰ سال قبل، ناگفته‌هایی از آن عملکرد موفق نظام در دور کردن تهدیدات از کشور را، که بتواند راهگشای عبور از وضعیت کنونی باشد، مطرح نمایم.

البته به طور طبیعی خاطرات سال ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، سال دیگر منتشر می‌شود اما نظر به خطر بودن شرایط، بریده‌ای از این خاطرات را در این مقاله ذکر می‌کنم.

برای آشنایی با شرایط آن زمان توجه به نکات ذیل لازم است: بوش دوم، پس از حمله ۱۱ سپتامبر، افغانستان، ایران و عراق را به عنوان محور شرارت معرفی کرد و به افغانستان و عراق حمله نظامی کرد، وی بارها با بزرگ‌نمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران، خواستار ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل و برخورد با ایران بود و همزمان با اسرائیل نیز توافقاتی انجام داده بود که اگر پرونده ایران از طریق دیپلماسی به نتیجه نرسد، اسرائیل همانند حمله به تاسیسات هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۲ به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کند.

در این شرایط مخالفان نظام که جمهوری اسلامی را به دیکتاتوری و استبداد متهم می‌کردند، انتظار داشتند که با توجه به مخالفت رهبر انقلاب با تعلیق غنی‌سازی، مسیر دیپلماسی به بن‌بست برسد و با ارجاع پرونده به شورای امنیت، بمباران مراکز هسته‌ای ایران رخ دهد، اما مردم‌سالاری نظام جمهوری اسلامی و حاکم بودن عقلانیت، واقع‌گرایی و هوشمندی در جلسات کارشناسی موجب شد تا رهبر انقلاب به‌رغم مخالفت شخصی با درخواست مسئولان مبنی بر تعلیق موقت غنی‌سازی موافقت کند و ایران از یک خطر در آن سال دور شود. اما مطالبی از خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

پنج‌شنبه ۳ مهر ۱۳۸۲؛ عصر آقای خاتمی آمد. در مورد مسائل هسته‌ای هم‌نظر شدیم که پیشنهاد سه کشور انگلیس و فرانسه و آلمان را بپذیری کنیم و به ایشان توصیه کردم که در فکر کناره‌گیری نباشد و به کار خود ادامه دهد، گفت: بلرنامه‌ای دوستانه نوشته و شاه اردن پیشنهاد بردن پیام و میانجیگری با آمریکا را داشت که موافقت نشد و فقط مواضع خودمان را توضیح دادیم که اگر خودش مایل است، بگوید.

چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۸۲؛ عصر در دفتر رهبری، جلسه مشورتی بود در مورد مسائل هسته‌ای. ایشان پذیرفتند که با شروطی پروتکل امضا شود و عملاً هم اجرا شود ولی با تعطیلی فعالیت‌های غنی‌سازی که خواست آژانس، اروپا، آمریکا و روسیه است، مخالفت کردند. آقایان روحانی و خرازی و خاتمی خواستار تعطیل موقت شدند. به دکتر روحانی پیشنهاد شد که سفری به اروپا برود برای مذاکرات، ولی نظرم این است که از آنجا کسی بیاید و در ایران مذاکره شود.

یک‌شنبه ۲۰ مهر ۱۳۸۲؛ سر شب آقای دکتر روحانی آمد. گفت: البرادعی اخیراً تهدید ضمنی کرده و اروپایی‌ها هم هنوز حاضر نشده‌اند کسی را برای مذاکره نفرستند و چین و روسیه هم می‌گویند: قطعنامه را کاملاً اجرا کنید وگرنه خطر رفتن به شورای امنیت است که صلاح نیست و هیات دولت هم ترسیده، فشار را روی آقای خاتمی زیاد کرده که بپذیریم و مجلسیان هم نامه‌ای با بیش از چند امضا تهیه کرده‌اند که از آقای خاتمی خواسته‌اند، بپذیریم و رهبری هم جلوتر آمده‌اند و پذیرفته‌اند که موقتاً غنی‌سازی را متوقف کنیم.

سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۸۲؛ سفر سه وزیر خارجه انگلیس، آلمان و فرانسه به ایران برای مسائل هسته‌ای و مذاکرات آنها و بیانیه پایانی مذاکرات، بیشترین انعکاس داخلی و جهانی را دارد و همه اخبار را تحت‌الشعاع قرار داده است. ایران در مقابل پذیرش آنها برای تایید برخورداری از فواید صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای پذیرفته که پروتکل الحاقی را امضا کرده و برنامه‌های خود را شفاف کند و غنی‌سازی را موقتاً متوقف کند.

شنبه ۳ آبان ۱۳۸۲؛ ظهر، هیات‌رئیسه خبرگان در دفترم جلسه داشت. آنها هم از نحوه تصمیم‌گیری در مورد پروتکل و توقف غنی‌سازی ناراحت بودند و معتقدند، ابهت نظام شکسته شده به‌خصوص که برخلاف اظهارات رهبری در ماه‌های اخیر است و تعجب داشتند که چگونه رهبری از حرف‌های خود برگشته‌اند. گفتیم: از همه جوانب به ایشان فشار می‌آید و می‌گفتند: مسلماً به شورای امنیت می‌برند و تحریم علیه ایران تصویب می‌کنند.

دوشنبه ۵ آبان ۱۳۸۲؛ آقای آقازاده آمد. گفت: آقای خاتمی مسئولیت امور سیاسی و فنی هسته‌ای را به آقای روحانی داده و عملاً در مذاکرات، سازمان نقشی نداشته و به رهبری نامه‌ای نوشته و با تعویق گازرسانی و تزریق و توقف کارها مخالفت کرده و رهبری جواب داده‌اند: فقط با تاخیر تزریق گاز اورانیوم موافقت کرده‌اند و به ایشان گفته که هیچ چیز دیگر را متوقف نکنند ولی آقای روحانی بیش از این می‌خواهد.

یک‌شنبه ۱۱ آبان ۱۳۸۲؛ عصر در برنامه افطار رهبری شرکت کردیم. مدیران و مسئولان جمع بودند. آقای خاتمی و رهبری سخنرانی کردند.

ادامه در صفحه ۲

لاوروف: فقط برج‌جام

وزیر خارجه روسیه در جدیدترین مصاحبه خود، بخش‌هایی از نامه ترامپ به ایران را افشا کرده و گفته است؛ آمریکا خواستار یک توافق جدید با شروط سیاسی است و این نگران‌کننده است، اما روسیه موافق است که برج‌جام دوباره احیا شود سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



گروه بین‌الملل: ارسال نامه ترامپ به ایران و علنی کردن آن توسط رئیس‌جمهور ایالات‌متحده که چندی پیش در مصاحبه با فاکس بی‌زنس بدان اشاره کرد، این روزها در کنار سایر موضوعاتی از قبیل پرونده جنگ اوکراین و غزه به یکی از تیرهای مهم رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. ترامپ و تیم او در این خصوص صراحتاً نیت خود را اعلام کردند و در نهایت چهارشنبه هفته پیش (۲۲ اسفندماه) خبر آمد که انور قرقاش، مشاور رئیس‌امارات متحده عربی در امور سیاست خارجی، حامل نامه مذکور بوده و در راه تهران است. تحویل نامه از سوی قرقاش به سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان از این‌پس باعث می‌شود که تمام نگاه‌ها به پاسخ تهران باشد و در همین راستا اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به روند بررسی محتوای نامه رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد که پس از ارزیابی و بررسی‌های کامل درخصوص نحوه واکنش، تصمیم‌گیری خواهد شد. اینکه قرار است چه پاسخی به نامه ترامپ داده شود و اساساً قرار است چگونه موضع‌گیری شود، به صورت کلی مشخص نیست و باید منتظر بود اما در این میان مصاحبه اخیر سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه با سه تن از ویلاگ‌نویسان آمریکایی هم مهم بود و به نوعی نکات خاص خود را داشت. لاوروف در این مصاحبه که توسط «اندرئو ناپولیتانو»، «لری جانسون» و «ماريو نائوفال» انجام شده، طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله پرونده اوکراین، ناتو، مدل مواجهه روسیه با اروپا و انگلیس، تحولات سوریه و حتی پرونده گرینلند را مورد بررسی قرار داده و در مورد پرونده هسته‌ای ایران و مدل نگاه ایالات‌متحده به این پرونده و توافق با کشورمان هم سخن گفته است.

ادامه در صفحه ۳

ادامه سرمقاله

اوج تنش، نزدیک است

و رهبری هم گفتند که تا اینجا درست عمل شده ولی ما برای خنثی کردن توطئه آمریکا و اسرائیل که به اتهام ناروای برنامه ساخت سلاح اتمی درصدد ایجاد اجماع علیه ایران بودند، پذیرفتیم که همه چیز شفاف باشد ولی برای تولید چرخه سوخت مصمم هستیم و کوتاه نمی‌آیم. آقای خاتمی گفتند که تولید سوخت را متوقف می‌کنیم که این دو اظهار با هم ناسازگار در آمد. **سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۲**؛ شب مهمان رهبری بودم. در مورد مسائل هسته‌ای هم بحث کردیم. ایشان مصمم است که در مورد چرخه سوخت تسلیم نشوند و مقاومت کنند، گرچه به برخورد رسد.

سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۳؛ شب مهمان رهبری بودم. از من خواستند در جلسه مشورتی فردا که برای مسائل هسته‌ای داریم با پیشنهاد لغو تصمیم تعلیق موافقت کنیم. گفتیم: بهتر است عجله نشود و فرصت دیگری به دکتر روحانی و دولت بدهیم که بتوانند آژانس و اروپا را قانع کنند که ما شفاف و در چارچوب مقررات آژانس عمل می‌کنیم و از عکس‌العمل تند غرب جلوگیری کنیم. **چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۳**؛ عصر در دفتر رهبری جلسه مشاوره بود برای اقدام در صورت عدم ختم پرونده ما در آژانس در ماه ژوئن که قرار شد، تصمیم را به بعد از ژوئن موکول کنیم. رهبری نظرشان این بود که در صورت عدم ختم پرونده، تعلیق را لغو کنیم ولی اکثریت جلسه با توضیحاتی که دکتر روحانی و آقازاده دادند، موافقت نداشت.

چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۳۸۳؛ البرادعی برای اطلاع از اوضاع هسته‌ای اسرائیل به آنجا سفر کرده، آمریکا و اسرائیل علناً ایران را درخصوص مسائل هسته‌ای تهدید کرده‌اند و رهبری در همدان گفته‌اند که دست متجاوز را قطع می‌کنیم و برای ضربه متقابل محدود به مکان خاصی نخواهیم بود.

چهارشنبه ۷ مرداد ۱۳۸۳؛ عصر آقای معیری آمد و گفت: مقامات اتریش رسماً اطلاع داده‌اند که اسرائیل قصد حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را دارد.

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۸۳؛ شب مهمان رهبری بودم. در مورد مسائل هسته‌ای مذاکره کردیم. تصمیم این شد که غنی‌سازی را آغاز کنیم و احتمال حمله اسرائیل را جدی می‌دانند.

سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۸۳؛ شب مهمان رهبری بودم. از تصمیم جلسه مشورتی در مورد توقف موقت مونتاژ و قطعه‌سازی هسته‌ای ناراضی‌اند. ولی من گفتم: تصمیم خوب و به جایی است. **یک‌شنبه ۵ مهر ۱۳۸۳**؛ عصر در دفتر رهبری، جلسه ادامه بحث مسائل هسته‌ای بود. سرانجام به این نتیجه رسیدند که قطعه‌سازی و مونتاژ و راه‌اندازی U.C.F اصفهان انجام شود ولی گازدهی را تا اجلاس آینده آژانس شروع نکنند. چون دکتر روحانی معتقد است که اگر گازدهی شروع نشود، امکان تهاجم هست و رهبری حفظ تکنولوژی هسته‌ای را خط قرمز خواندند.

دوشنبه ۱۱ آبان ۱۳۸۳؛ عصر در مرکز تحقیقات استراتژیک با معاونان جلسه داشتیم. دکتر روحانی مذاکرات اخیر با اروپاییان را توضیح داد که در مقابل تعلیق زمان نامعلوم غنی‌سازی، مانع رفتن پرونده به شورای امنیت شوند. امنیت ایران را تضمین و برای ساخت نیروگاه هسته‌ای و تامین سوخت همکاری کنند. برای پذیرفته شدن ایران در سازمان تجارت جهانی کمک کنند و همکاری فنی و صنعتی را توسعه دهند. برای مشکل هواپیمای غیرنظامی کمک کنند و پس از حصول اعتماد و ضمانت عملی برای خودداری ایران از ساخت سلاح هسته‌ای به غنی‌سازی هم کمک کنند و گفت: نظر کمیته این است که پیشنهاد را بپذیریم. من گفتم: قبلاً پیشنهاد داده بودند برای اعتماد در صلح‌آمیز بودن کار ایران، آنها در غنی‌سازی شریک شوند، یا محصول اصفهان به فرانسه برود برای غنی‌سازی و به ایران برگردد.

دوشنبه ۱۱ آبان ۱۳۸۳؛ عصر در دفتر رهبری جلسه مشورت درباره مسائل هسته‌ای بود. سرانجام پذیرفته شد که با شرط بسته شدن پرونده ایران در آژانس و جلوگیری از بردن به شورای امنیت توسط آمریکا و قبول نهایی تولید سوخت توسط ایران و امکان انجام کارهای جنبی خارج از غنی‌سازی در مدت مذاکره با اروپا که بیشتر از ۶ ماه طول نکشد، تعلیق را بپذیریم. آیت‌الله خامنه‌ای مخالف تعلیق بودند اما چون دیگران موافق بودند ایشان پذیرفتند.

دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۸۳؛ بیانیه ایران و اروپا همزمان درباره توافقات هسته‌ای منتشر شد و دکتر روحانی در مصاحبه‌ای توجیهات خوبی داشت و البرادعی در گزارشی به آژانس ضمن اینکه پنهان‌کاری گذشته ایران را تخلّف خوانسد از همکاری موثر فلسفی ایران ابراز رضایت کرد و گفت: پرونده ایران از این به بعد به صورت عادی پیگیری می‌شود که یکی از پندهای توافق ما با اروپا بوده.

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۸۲؛ یک مقام نظامی اسرائیل تهدید کرده که اگر آژانس جلوی برنامه هسته‌ای ایران را نگیرد، اسرائیل از قدرت نظامی استفاده می‌کند.

دوشنبه ۹ آذر ۱۳۸۳؛ بالاخره بعد از کلی مذاکره قطعنامه اروپایی‌ها، با اصلاحات مورد نظر ایران، با اجماع در شورای حکام آژانس هسته‌ای تصویب شد و دکتر روحانی از من به خاطر چند بار باز کردن گرّه کار، قدردانی کرد.

استفاده از تجربیات ۲۰ سال گذشته در پرونده هسته‌ای و بررسی دقیق مقالات صورت گرفته هنگام هیجان‌ساخت خطرناک می‌تواند راهگشای مناسبی برای عبور از تنگنایهای اخیر با مشورت و نظرات کارشناسی و البته حفظ عزت و جایگاه کشور و نظام باشد.



استفاده از فرصت و قدرت

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور: مدیریت درست و صحیح، برقراری تناسب و تعادل بین منابع و داشته‌ها با مصارف و هزینه‌هاست و اینکه چگونگی از فرصت‌ها و قدرت خود برای رفع تهدیدها و ضعف‌ها برای حرکت در مسیر خود استفاده کنیم. به کمک، مشارکت و همراهی مردم برای ساختن کشور غلبه بر مشکلات و رسیدن به عزت و سربلندی نیاز داریم.



برای یک‌دی نفع واحد!

محسنی‌زهی، رئیس قوه قضائیه: در همین پرونده اخیر (پرونده چای دیش) میزان تخصیص ارز به صورت سالانه برای واردات کالای مورد نظر، مشخص و معین است؛ اما به یک‌باره در کمتر از یک سال‌ونیم، این تخصیص ارز چندین برابر شد؛ آن هم برای یک‌دی‌نفع واحد! از سویی دیگر با توجه به برخی محدودیت‌ها در حوزه ارز، مصوبه‌ای وجود داشت ناظر بر آنکه مسئول مستقیم تنظیم و توزیع ارز تخصیصی در عرصه امورات هر وزارتخانه شخص وزیر است.

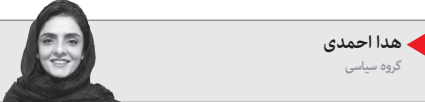


وجود قوانین بازدارنده

سیدمحمدحسن ابوترابی‌فرد، امام‌جمعه موقت تهران: از نظر پلیس راهور حدود ۱۰ درصد از رانندگان تخلفات حادثه‌ساز را مرتکب می‌شوند و اراده خود را بسر ۹۰ درصد از کاربران ترافیک تحمیل می‌کنند لذا وجود قوانین بازدارنده از مهم‌ترین عوامل برخورد با تخلفات حادثه‌ساز و کاهش حوادث ترافیکی و جاده‌ای است. شهروندانی که در تصادفات جان عزیز یا سلامت خود را از دست می‌دهند آثار عمیق و گسترده‌ای بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی کشور بر جای می‌گذارد.

کشمکش بر سر حجاب

معاون حقوقی رئیس‌جمهوری از اصلاح قانون موسوم به حجاب و عفاف توسط دولت خبر داد



درحالی‌که دولت تلاش می‌کند تا با رویکردی متعادل به چالش‌هایی که مخالفانش پیش‌روی قوه مجریه می‌گذارند را پشت سر بگذارد، جریان‌های سیاسی مختلف با اهداف و انگیزه‌های متفاوت به این موضوع دامن می‌زنند. به طور مشخص موضوع حجاب به صحنه تقابل جدی میان دولت و جریان پایداری تبدیل شده است. کمالینکه روز گذشته مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهور با اعلام توقف موقت ابلاغ قانون جدید حجاب، به دلیل وجود بخش‌های غیر قابل اجرا، از تلاش دولت برای اصلاح این قانون خبر داد. وی با انتقاد شدید از جریان‌های سیاسی که با مطرح کردن مداوم مسأله حجاب به التهاب جامعه دامن می‌زنند، آنها را به ایجاد تفرقه و نفرت‌رانی متهم کرد و خواستار تمرکز بر حل مشکلات معیشتی مردم شد. انصاری با اشاره به شرایط دشوار اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی از تلاش‌های بی‌وقفه دولت برای عبور از این بحران‌ها و تامین نیازهای اساسی مردم سخن گفت. وی با تاکید بر وجود یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی، هدف دشمنان را تضعیف پیوند مردم و نظام و ایجاد ناامنی در منطقه به منظور تامین امنیت اسرائیل دانست.

در این میان، آیت‌الله سیدمصطفی محقق‌داماد، از فقهای برجسته و صاحب‌نظر در حوزه فقه و حقوق، با ارائه تفسیری متفاوت از احکام اسلامی مربوط به حجاب، معتقد است: «حکومت نمی‌تواند زنان را به حجاب ملزم کند. وی با استناد به روایاتی از پیامبر اسلام(ص) و با استدلال بر اینکه بسیاری از احکام دینی، ضمانت اجرایی الهی دارند و نیازی به دخالت در اجرای آنها نیست بر این باور است که حکومت اسلامی نمی‌تواند همه واجبات را به صورت قانون درآورد و اجرای آنها را الزامی کند. به عنوان مثال، وی به وجوب حج اشاره می‌کند و می‌پرسد آیا حکومت باید افرادی که استطاعت مالی دارند را مجبور به رفتن به حج کند؟» لذا این اختلاف‌نظر فقهی،

ابعاد جدیدتری به مناقشه بر سر حجاب می‌بخشد و نشان می‌دهد که حتی در میان مراجع دینی نیز در مورد حدود اختیارات حکومت در زمینه الزام به حجاب، اتفاق نظر وجود ندارد.

حجاب همچنان اهرمی برای فشار به دولت

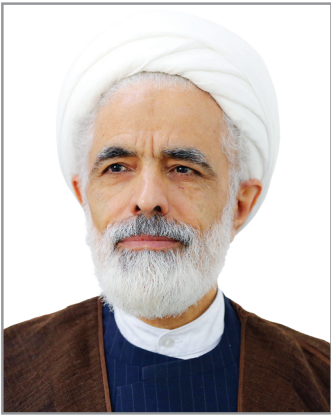
اما در مقابل، جریان پایداری در مجلس با فشار بی‌امان بر دولت، خواستار اجرای فوری و کامل قانون حجاب است. این جریان با سازماندهی تحصن‌های شبانه‌روزی در مقابل مجلس و نهاد ریاست‌جمهوری و با بسیج نمایندگان مجلس برای امضای نامه‌ای در حمایت از قانون حجاب، تلاش می‌کند تا دولت را وادار به عقب‌نشینی از موضع خود کند. حتی مرتضی آقاچه‌رانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس و از چهره‌های شاخص پایداری از ابلاغ قانون موسوم به حجاب و عفاف در اسفند ماه امسال خبر داد. وی با بیان اینکه نباید در تصمیم‌گیری درباره حجاب، ملاحظات آمریکا و اسرائیل را در نظر گرفت، منتقدان این قانون را به ناآگاهی و عدم مطالعه آن متهم کرد. وی پیش از این نیز حتی قبل از توقف ابلاغ قانون توسط شورای عالی امنیت ملی بر اجرای قریب‌الوقوع آن تاکید کرده بود.

امیرحسین ثابتی، نماینده فعلی مجلس و از چهره‌های نزدیک به جریان پایداری، با حضور در میان تجمع‌کنندگان، با لحنی تند،

مخالفان را به چالش کشید و با اشاره به برخی موارد اختلافی در گذشته مانند انتصاب محمدجواد ظریف به عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهور از برخوردهای دوگانه در مقابله با تجمعات انتقاد کرد. وی و همفکرانش در جریان پایداری از ابتدای روی کار آمدن دولت با استفاده از هر موضوع ممکن، از مسائل سیاسی گرفته تا مباحث فرهنگی مانند فیلترینگ و حجاب، سعی در تحت فشار قرار دادن دولت داشته‌اند.

همچنین سه روز پیش، جریان پایداری با برگزاری نشست خبری در کمیسیون فرهنگی مجلس، بار دیگر تلاش کرد تا موضوع حجاب را به عنوان یک اولویت ملی مطرح کند. این اقدام درحالی صورت گرفت که شورای عالی امنیت ملی، پیش از آن، ابلاغ قانون حجاب را متوقف کرده بود. به نظر می‌رسد جبهه پایداری با مشاهده رویکرد تعاملی دولت در برخی زمینه‌ها در تلاش است تا با افزایش فشارهای فرهنگی و ایجاد دو قطبی‌سازی در جامعه، دولت را تحت فشار قرار دهد. این جریان حتی با برگزاری تجمعاتی در مقابل مجلس، سعی در نمایش قدرت و نفوذ خود دارد.

کامران غضنفری، دیگر نماینده پایداری در مجلس با اتکا به شنیده‌های خود، مدعی شد که شورای عالی امنیت ملی با ابلاغ قانون حجاب موافقت کرده و قالیباف، رئیس مجلس نیز نمی‌تواند مانع اجرای آن شود. این درحالی است که حمید رسایی از دیگر



مجدد انصاری



آیت‌الله سیدمصطفی محقق‌داماد

نمایندگان همسو با غضنفری، پیش از این، محمدتقی نقدعلی نماینده کاشمر را به دلیل بازگو کردن شنیده‌هایش درخصوص اینکه متحصنین حجاب پول دریافت می‌کنند به شدت مورد انتقاد قرار داده بود. این تناقض در رفتار و اظهارات نمایندگان پایداری، نشان‌دهنده رویکرد دوگانه آنها در بهره‌برداری از اطلاعات و اخبار است.

پایان باز یک قانون!

قانون موسوم به حجاب و عفاف که توسط مجلس تصویب شد و قرار بود توسط محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس برای اجرای شدن ابلاغ شود توسط شورای عالی امنیت ملی متوقف شد. این اقدام باعث شد برخی از نمایندگان که اکثر از جریان پایداری بودند به طور مکرر در نقد این تصمیم سخن بگویند. همچنان نیز برخی از نمایندگان در این خصوص اظهاراتی ارائه می‌دهند. تجمع‌کنندگان جلوی مجلس و ادعاها درباره دریافت پول به دلیل حساسیت موضوع حجاب، بازتاب گسترده‌ای داشته است. از یک‌سو، این ادعاها می‌تواند نشان‌دهنده وجود افرادی باشد که از این موضوع به‌عنوان فرصتی برای کسب منفعت مالی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، این ادعاها ممکن است به عنوان ابزاری برای تضعیف حرکت مردمی مطرح شده باشد.

کمالینکه پیش از این هم گروهی از معترضان در مقابل مجلس با برگزاری تجمع و تحصن خواستار اجرای فوری این قانون شدند. پلاکاردهای آنان حاوی شعارهایی همچون «به سمت خط مقدم جبهه خوش آمدید» بود که به نظر می‌رسد با هدف تشبیه فضای اجتماعی به «جبهه جنگ» طراحی شدند. این درحالی است که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در واکنش به انتقادات فزاینده درباره تعلل در ابلاغ قانون طی سخنانی در ۱۴ بهمن ۱۴۰۱ اعلام کرد: «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید رهبری در صورت ایجاد چالش یا تنش توسط دبیرخانه این شورا قابل توقف است.» وی با تاکید بر تبعیت از مصوبات شورای عالی امنیت ملی عملاً مسئولیت عدم اجرای قانون را به این نهاد منتسب کرد.

بررسی لایحه عفاف و حجاب به خرداد ماه ۱۴۰۲ برمی‌گردد. لایحه‌ای که توسط قوه قضائیه تهیه و به دولت ابراهیم رئیسی ارسال شد. هیات دولت سیزدهم هم در فاصله کمی آن را تصویب و به مجلس بازدهم فرستاد. بهارستانی‌ها در خرداد سال گذشته با بررسی لایحه عفاف و حجاب به صورت یک فوریت با ۱۸۵ رای موافق، ۳۰ رای مخالف و ۷ رای ممتنع از مجموع ۲۷۷ نماینده حاضر در جلسه موافقت کردند. همچنین آنها شهریور ۱۴۰۲ موافقت کرده بودند که این لایحه به مدت ۳ سال و به صورت آزمایشی به اجرا دربیاید. روندی که دولت سیزدهم به شدت از آن حمایت می‌کرد. اما این لایحه به دلیل وجود ابهامات توسط شورای نگهبان به مجلس بازگردانده شد. البته پیش از این مجمع تشخیص مصلحت نظام هم مواردی از این لایحه را مغایر با «سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری» دانسته بود. البته در نهایت این لایحه پس از تصویب به شورای نگهبان فرستاده شد و هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان ۲۸ مهرماه امسال خبر داد که لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفته است. اما طبق گفته دولت به حالت تعلیق درآمده است. پس از پایداری‌ها فشار آوردند و رئیس مجلس را وادار کردند که تاریخ ابلاغ آن به دولت برای اجرایی کردن را اعلام کند که در نهایت و همان‌طور که گفته شد، شورای عالی امنیت فعلاً جلوی آن را گرفته است.

این درحالی است که در این فضای پرتنش، سردبیر سایت مشرق نیز با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) از مسدود شدن شماری از کانال‌های تلگرامی به دلیل اختلاف‌افکنی و سازماندهی تجمعات غیرقانونی خبر داد. این اقدام نشان‌دهنده تلاش نهادهای مسئول برای کنترل فضای مجازی و جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی و ناامنی در جامعه است. با این حال به نظر می‌رسد که موضوع حجاب و مباحث پیرامون آن به این زودی‌ها از دستور کار سیاسی و اجتماعی کشور خارج نخواهد شد و به عنوان یکی از محورهای اصلی اختلاف‌نظر و کشمکش میان جریان‌های سیاسی مختلف باقی خواهد ماند. این درحالی است که ثابتی از چهره‌های نزدیک به سعید جلیلی و پایداری‌ها به همراه حمید رسایی، آقای تهرانی و نمایندگان مخالف دولت از همان ابتدای روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان هر موضوعی را به اهرمی برای فشار به دولت تبدیل کردند. از ماجرای اینکه بعد ۲ قانون انتصاب افراد در مشاغل حساس را اصلاح نکردند تا ظریف را اقتدر در فشار بگذارند تا بالاخره به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه کنار بکشد تا استیضاح وزیر اقتصاد در آخرین روزهای سال و فشار بر دیگر وزرای وزارتخانه‌ها تا مسائلی همچون فیلترینگ و حجاب.



پیش نویس قانون اساسی سوریه

کمیته کارشناسان حقوقی سوریه پیش نویس بیانیه قانون اساسی را تدوین و آن را به ابومحمد الجولانی، رئیس دولت موقت سوریه ارائه و او هم این پیش نویس را به امضاء رسانده است. کمیته تدوین بیانیه قانون اساسی سوریه اعلام کرد، مرحله انتقالی در سوریه به مدت پنج سال تعیین شده است. این درحالی است که همزمان دروزی های سوریه اعلام کردند، جولانی را به رسمیت نمی شناسند.



عدم توافق بدون اروپا

کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا: واشنگتن قول داده است که با هیچ یک از شروط روسیه برای آتش بس موافقت نخواهد کرد، مگر اینکه از قبل توسط اتحادیه اروپا تایید شده باشد اما وزرای خارجه گروه ۷ در کانادا هنوز بر سر متن بیانیه به توافق نرسیده اند و باید دانست و آگاهی اراضی اوکراین خط قرمز است و توافق ویژه درباره اوکراین بدون اتحادیه اروپا منعقد نمی شود.



در لبنان می مانیم

یسرائیل کاتس، وزیر جنگ اسرائیل: ما تا زمانی نامشخص در پنج نقطه واقع در جنوب لبنان حضور خواهیم داشت و سیاست جدی ما علیه نقض های حزب الله لبنان ادامه خواهد داشت، چراکه ماموریت ما حمایت از ساکنان شمال در برابر هرگونه تهدید است. نواف سلام، نخست وزیر لبنان در این خصوص اعلام کرد که این اقدام اسرائیل به منزله حمله به حاکمیت ما و نقض قطعنامه ۱۷۰۱ است.

دیدگاه: گزارش خارجی

ترامپ علیه گرینلند و پاناما

پنتاگون چه گزینه هایی برای حفظ دسترسی آمریکا به کانال پاناما دارد؟

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، بر لزوم کنترل کشورش بر گرینلند برای تقویت امنیت بین المللی تاکید کرده است. همزمان، پنتاگون موظف شده تا گزینه های نظامی برای حفظ دسترسی آمریکا به کانال پاناما را بررسی کند، که از مهم ترین مسیرهای آبی استراتژیک جهان به شمار می رود. رئیس جمهوری آمریکا، روز پنجشنبه سیزدهم مارس (۲۳ اسفند) به مارک روته، دبیرکل ناتو گفت که کنترل آمریکا بر گرینلند برای تقویت امنیت بین المللی ضروری است و این درحالی است که سخنان پیشین او در مورد الحاق این جزیره استراتژیک قطبی به ایالات متحده با واکنش های منفی در اروپا و دانمارک مواجه شده است.

ترامپ درحالی که در دفتر بیضی شکل خود در کاخ سفید کنار روته نشسته بود، به او گفت: «می دانی مارک، ما به گرینلند برای امنیت بین المللی نیاز داریم، نه فقط برای امنیت خودمان، (بلکه برای امنیت بین المللی) بسیاری از بازیگران مورد علاقه ما درحال عبور از سواحل آنجا هستند و ما باید مراقب باشیم». وی افزود: «حالا بعداً راجع به آن باهاش حرف میزنم». وقتی از رئیس جمهوری آمریکا به طور مستقیم درباره احتمال الحاق گرینلند سوال شد، وی گفت: «فکر می کنم این اتفاق خواهد افتاد».

ترامپ از زمان روی کار آمدن مجدد در کاخ سفید در تاریخ ۲۰ ژانویه (یکم بهمن) موضوع الحاق گرینلند به ایالات متحده را به یکی از نقاط مهم گفت وگو تبدیل کرده است. نظر سنجی ها نشان می دهند که بیشتر مردم گرینلند مخالف پیوستن به آمریکا هستند، اگرچه اکثریت آنها به استقلال تدریجی از دانمارک تمایل دارند. همزمان، مقامات آمریکایی گفتند که ارتش ایالات متحده موظف شده تا اقداماتی را برای تضمین دسترسی کامل آمریکا به کانال پاناما فراهم کند. یکی از مقامات آمریکایی به شرط ناشناس ماندن نام خود گفته است که سندی تحت عنوان «راهنمای میان دوره ای امنیت ملی» از سوی دولت جدید، از ارتش خواسته تا گزینه های نظامی برای حفظ دسترسی به کانال پاناما را بررسی کند. پنتاگون آخرین بار در سال ۲۰۲۲ میلادی «سند راهبردی دفاع ملی» خود را منتشر کرد که در آن اولویت های نظامی آمریکا مشخص شده است. اما این سند میان دوره ای، خط مشی کلی سیاست ها را مشابه فرامین اجرایی و سخنرانی های عمومی آقای ترامپ تعیین می کند. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، بارها گفته است که می خواهد «کانال پاناما را باز پس بگیرد». این کانال در باریک ترین قسمت خشکی بین آمریکای شمالی و جنوبی واقع شده است و یکی از مهم ترین مسیرهای آبی استراتژیک جهان به شمار می رود. اما او هیچ توضیحی درباره نحوه انجام این کار و اینکه آیا اقدام نظامی لازم خواهد بود یا نه، ارائه نکرده است. یک مقام آمریکایی دیگر هم اعلام کرده که ارتش ایالات متحده گزینه های زیادی برای حفظ دسترسی به این کانال، از جمله تضمین همکاری نزدیک با ارتش پاناما دارد. آمریکا و پاناما طبق یک پیمان، متعهد به دفاع از کانال در برابر هر تهدیدی به بی طرفی آن هستند و اجازه دارند برای انجام این کار اقدام یکجانبه کنند. ایالات متحده حقوق ساخت و بهره برداری از کانال را در اوایل قرن بیستم به دست آورد. ایالات متحده در یک پیمان دیگر مورخ سال ۱۹۷۹، در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر توافق کرد که کنترل کانال را تا پایان سال ۱۹۹۹ به پاناما تحویل دهد. در این راستا خاویر مارتینز آچا، وزیر خارجه پاناما در واکنش به گزارش شبکه خبری ان بی سی درباره اینکه کاخ سفید از ارتش خواسته است تا گزینه هایی را برای افزایش حضور نیروهای آمریکایی در پاناما» ارائه دهد، گفت: «با توجه به این اظهارات، من چیزی جز این ندارم که بگویم پاناما در دفاع از قلمرو، کانال و حاکمیت خود ثابت قدم است».

رویترز



شده و مصاحبه به لاوروف را تدارک دیده اند چه کسانی هستند. ترکیب این تیم سه نفره جالب است. اندرو ناپولیتانو زاده ۶ ژوئن ۱۹۵۰ و یک حقوقدان بازنشسته آمریکایی و ستون نویس است که آناش در نشریات متعددی از جمله واشنگتن تایمز منتشر شده است. او از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ به عنوان قاضی دادگاه عالی ایالت نیوجرسی خدمت کرده و به عنوان استاد مدعو در دانشکده حقوق دانشگاه وایدنر دلاور، دانشکده حقوق دانشگاه ستون هال و دانشکده حقوق بروکلین مشغول به تدریس بوده است. او به دلیل انتقاداتش از دولت های جورج دبلیو بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ شهرت یافته و از سال ۱۹۹۷ به عنوان تحلیلگر سیاسی و حقوقی در فاکس نیوز مشغول به کار شد که البته چندین کتاب در حوزه حقوق و سیاست به رشته تحریر درآورده است.



نفر دوم که او هم کارنامه مهمی دارد «لری جانسون» است. جانسون به مدت چهار سال در آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سازمان سیا) به عنوان یک تحلیلگر مشغول به کار بوده و سپس به دفتر مبارزه با تروریسم وزارت خارجه ایالات متحده رفته است. در سال ۱۹۹۳، جانسون اشتغال در دولت را ترک می کند تا به بخش خصوصی بپیوندد. در حقیقت جانسون را باید یکی از تحلیلگران موثر در عرصه تروریسم و بنیادگرایی رادیکال دانست که در مورد ۱۱ سپتامبر و حتی اسامه بن لادن تفاسیر و مقالات کلیدی و مهمی را منتشر کرده است. او همچنین رابطه کاری مستقیم با اندرو ناپولیتانو داشته است؛ به گونه ای که در مارس ۲۰۱۷، اندرو ناپولیتانو اعلام کرد که براساس یکسری از داده ها، به دستور اوباما، کمپین های انتخاباتی دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ شنود شده است و جالبتر اینکه «جانسون» منبع ادعای ناپولیتانو بود و حالا

به گزارش ایسنا، لاوروف در این مصاحبه اعلام کرده که «روسیه و شرکتش در مورد برنامه اقدام جامع مشترک (برجام) درباره موضوع هسته ای ایران گفت وگو کرده. ما طرفدار بازگرداندن برنامه اولیه ای هستیم که آمریکایی ها در دوره اول دولت ترامپ از آن خارج شدند و برخی از تماس ها در طرف اروپایی وجود دارد». لاوروف گفته است که «ما طرفدار از سرگیری قالبی خواهیم بود که توافق اولیه مورد تایید شورای امنیت که شامل فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایالات متحده، روسیه، چین و ایران است را توسعه داد و می خواهیم ببینیم که این موضوع چطور پیش می رود».

وزیر خارجه روسیه تاکید کرد «آنچه نگران کننده بوده، این است که نشانه هایی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکایی ها مشتاق آن هستند که این توافق جدید با شرط و شروط سیاسی همراه باشد و اصرار دارند که باید ترتیبی قابل راستی آزمایی برای ایران وجود داشته باشد که از گروه هایی در عراق، لبنان، سوریه و هر جایی حمایت نکند، که فکر نمی کنم این موضوع راه به جایی ببرد و اساساً گمان نمی کنم این مساله واقع بینانه باشد». به گفته لاوروف، «روسیه پذیرای هر نوع مذاکره با آمریکا در مورد موضوع هسته ای ایران است، مشروط بر اینکه برخلاف رویکرد بایدن، براساس احترام متقابل و برابری باشد».

او در پاسخ به این پرسش که آیا ایران در مذاکرات صلح اوکراین نقشی دارد یا خیر گفت: «تمام کشورهای خلیج فارس نفوذی فراتر از مرزهای خود و حتی شمال آفریقا دارند. آنها تعداد زیادی از برنامه های بشردوستانه و اقتصادی را انجام می دهند و خیلی واسطه می شوند. برای مثال، سودان، بحران داخلی سودان به نوعی توسط برخی از بازیگران خلیج فارس مدیریت می شود. بنابراین اینکه بگویم، همه به جز ایران، این حق را دارند که نفوذ کنند، به نظر من واقع بینانه نیست». سرگئی لاوروف در جای دیگری از مصاحبه خود با اشاره به مناسبات با واشنگتن گفت: «منافع روسیه و ایالات متحده هرگز یکسان نخواهد بود و این منافع نمی توانند حتی تا ۵۰ درصد با یکدیگر منطبق باشند. به خوبی درک شده است که آنها (آمریکا) به ما گفته اند که کشورهایمانند ایالات متحده و روسیه هرگز منافع ملی خود را یکسان نخواهند یافت. شاید حتی ۵۰ درصد یا کمتر با هم مطابقت نداشته باشند».

این مواضع لاوروف، آن هم دقیقاً در زمانی که نامه ترامپ از کانال امارات به تهران تحویل می شود، اگرچه قابل تأمل است اما در این راستا باید توجه شود که او به گونه ای اعلام کرده که موانع مهمی در مسیر هرگونه توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن وجود دارد که یکی از آنها می تواند مسائل منطقه ای باشد. از سوی دیگر، رئیس دستگاه دیپلماسی روسیه بر احیای برجام تاکید کرده و در این راستا صراحتاً اعلام کرده که مسکو و شرکای آن بر این توافق تاکید دارند و خواستار بازگشت به آن هستند.

چه کسانی با لاوروف مصاحبه کردند؟

فارغ از این مسائل، باید به این سوال پاسخ داد که سه شخصی که از آنها به عنوان وبلاگ نویس آمریکایی نام برده

سه جانبه در یکن

به موازات این روند، نشست سه جانبه ایران، چین و روسیه (جمعه) در یکن به ریاست ماجانوشو، معاون وزیر امور خارجه جمهوری خلق چین و با مشارکت کاظم غریب آبادی، معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و سرگئی الکسیویچ ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه، برگزار شد. در بیانیه پایانی این نشست آمده است که «چین، ایران و روسیه، آخرین وضعیت موضوع هسته ای و رفع تحریم ها را به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار دادند و سه کشور بر ضرورت لغو تمامی تحریم های غیرقانونی یکجانبه تاکید کردند». همچنین سه کشور مجدداً تاکید کردند که تعاملات دیپلماتیک، سیاسی و گفت وگویی مبتنی بر اصل احترام متقابل، تنها گزینه عملی و معتبر در این خصوص است و طرف های ذی ربط باید متعهد به توجه به دلایل ریشه ای وضعیت کنونی بوده و اعمال تحریم، فشار و تهدید توسل به زور را ترک نمایند.

در بخشی از این بیانیه آمده است که «سه کشور بر اهمیت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، شامل زمان بندی های مندرج در آن، تاکید کرده و از طرف های ذی ربط خواستند تا از انجام هر اقدامی که موجب تشدید وضعیت شده اجتناب کنند تا فضا و شرایط مناسب برای تلاش های دیپلماتیک ایجاد شود». همچنین سه کشور بر اهمیت احترام به معاهده منع اشاعه تسلیحات هسته ای به عنوان سنگ بنای رژیم بین المللی منع اشاعه تاکید کردند. چین و روسیه از اعلام مجدد ایران که برنامه هسته ای اش منحصراً

برای اهداف صلح آمیز است و نه برای تولید سلاح هسته ای استقبال کردند و همچنین از تعهد ایران به پایبندی کامل به تعهداتش به موجب معاهده منع اشاعه و موافقت نامه جامع پادمان، استقبال کردند. آنها همچنین از سیاست ایران برای تداوم همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی حمایت کرده و بر لزوم احترام کامل به حق ایران، به عنوان دولت عضو معاهده منع اشاعه، نسبت به استفاده های صلح آمیز از انرژی هسته ای، تاکید کردند. سه دولت بر لزوم اجتناب تمامی دولت ها از هر اقدامی که فعالیت فنی، بی طرفانه و عینی آژانس بین المللی انرژی اتمی را تضعیف کند، تاکید داشتند. سه کشور همچنین در مورد موضوعات منطقه ای و بین المللی مورد علاقه مشترک تبادل نظر کرده و توافق کردند همکاری های خود را در سازمان های بین المللی و ترتیبات چندجانبه، مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس، حفظ نموده و تقویت نمایند.

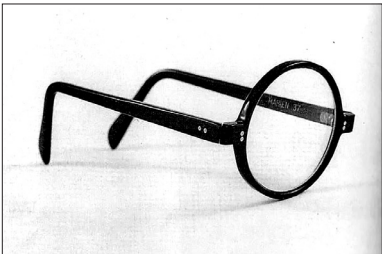
تحلیل تجسمی

ناموزنی بی بدیل

چه کسی نمایشگاه‌گردان را نقد می‌کند؟

امین شاهد

پژوهش‌گر و منتقد تجسمی



«عینک یک چشم» اثر هنرمند و عکاس سوررئالیست سویسی مرت اوپنهایم، ۱۹۳۶.

اسفند هر سال مصادف است با شتاب در برپایی نمایشگاه‌های گروهی آثار هنری به هر بهانه‌ای. نمی‌دانم چرا تب کیورتوری در این ماه از سال بیشتر از ماه‌های دیگر اهالی تجسمی را می‌سوزاند؟ این شتاب گویا مثل دیگر موارد زندگی، آغشته به روح و روان ایرانی است! انگار با تمام شدن یک سال و تعویض یک عدد، قرار است اتفاقات‌های دیگری بیفتند و عده‌ای حس می‌کنند که از قافله جا مانده‌اند؟! دغدغهٔ معاش، فروش و محدودیت فضای نگهداری از آثار را می‌دانم و می‌فهمم اما هنرمندی که برای معرفی و فروش کارهایش در طول یک سال، تلاش، انتخاب و تحقیقی مناسب انجام نداده، آیا در بازهٔ زمانی کوتاه در آخر سال منتظر معجزه است؟ همیشه احساس می‌کنم کارهای آخر سال به‌قول قدیمی‌ها عاقبت به‌خیری ندارد.

همین آشوب آخر سال (به‌قول ما گیلک‌ها؛ گاب دگفته بازار)، محیط را مساعد می‌کند برای کسانی که به هر بهانه‌ای برجسب کیورتوری را نیز به دیگر عناوین پرطمطراق نوشته شده در رزومهٔ خود بیفزایند و ایگوی خود را سنگین‌تر کنند. این روزها در ایران هر کسی که چند اثر هنری را در یک فضا به نمایش بگذارد، خود را «کیورتور» می‌نامد. آنچنان که هر دلک و لوده‌ای در خودرسانه‌ها برجسب «تولید‌کنندهٔ محتوا» و تقریباً هر کسی که اندکی دستی در گرداندن رسانه‌های اجتماعی داشته باشد، خود را «استراتژیست» می‌نامد.

اما بیا بید برگردیم به همان نمایشگاه‌های گروهی. برپایی یک نمایشگاه گروهی در حوزهٔ هنرهای تجسمی نیازمند رعایت مجموعه‌ای از استانداردها و اصول حرفه‌ای است تا تجربه‌ای مطلوب برای هنرمندان، مخاطبان و منتقدان ایجاد شود. این استانداردها شامل برنامه‌ریزی، نحوهٔ انتخاب آثار، چیدمان، نورپردازی، اطلاع‌رسانی و مدیریت مالی هستند. در یک نمایشگاه گروهی، ترکیب هنرمندان جوان و باتجربه می‌تواند به غنای نمایشگاه کمک کند. اما در نمایشگاه‌های اخیر ناموزنی ویژه‌ای میان اسامی هنرمندان، تکنیک، فضای نمایش آثار، چیدمان و محتوا می‌بینی که عدم پایدنی تک تک عوامل از هنرمند گرفته تا نمایشگاه‌گردان و گالری‌دار و مخاطب ناآشنا در آن به‌چشم می‌خورد. در میان نوشته‌های منتشرشدهٔ این سال‌ها ندیدم کسی نمایشگاه‌گردانی را به چوب نقد و تحلیل خود براند! از طرفی، به بازی نگرفتن هنرمندان جوان و کم‌تجربه توسط گالری‌هایی که دایرهٔ بستهای تعریف و هنرمندان خود را گلچین کرده‌اند، باعث شده گالری‌های کم‌تجربه با بضاعت اندک هر پیشنهادی را برای رونق گرفتن بی‌پذیرند. از طرف دیگر، انجمن‌هایی مانند انجمن نقاشان با برگزاری نمایشگاه‌های فله‌ای و یادواره‌های بی‌مایه، با اسامی تکراری و نخبه‌انرزی عوامل اجرایی خود را به سمت نهادهای خصوصی سوق می‌دهند تا از رانتِ روابط و ضوابط خود در این راستا بی‌نصب نم‌انند. این وسط با رشد بی‌سابقهٔ زیرزمین‌ها و انباری‌هایی که تبدیل به بنگاه‌های نمایش آثار (بخوانید گالری) و عملاً پاتوق یا محفلی برای گپ‌وگفت‌های دم دستی، نوشیدن قهوه و به نمایش گذاشتن اندام و پوشش شده‌اند، هم‌چنان فقدان دیدن یک مجموعهٔ درخشان احساس می‌شود. اگرچه نمی‌توان از فعالیت‌های جدی چند بنیاد و موسسهٔ خصوصی یا به ظاهر خصوصی چشم‌پوشی کرد، که البته ورود به آن‌ها نیز آداب و شرایط و یژه‌ای می‌طلبد. فضا آشفته و ناموزون است. آن‌چنان که بسیاری از مدرسین هنر در دانشگاه‌ها ناچارند برای گذران این روزها نان خود را در موسساتی بیابند که پیش‌تر برای آنها تره هم خورد نمی‌کردند. از یاد نمی‌بریم که فاصله گرفتن از ایده‌آل‌ها برای تأمین معاش، اندیشه را ترک می‌اندازد. چینی بند خورده‌ای می‌شوی که بخیهٔ روزگارِ بی‌رحم از پوستهٔ روح و روایت محو نمی‌شود.

کافه

تازه‌های ادبیات و هنر

مداخله در اثر هنری

نظر علیرضا سمیع‌آذر دربارهٔ مرمت آثار هنری در ایران



به‌شمار می‌رود. بنابراین برای آن‌ها باعث افتخار است که یکی از آثار مهم پیکاسو را به صورت صحیح و اصولی مرمت کنند».

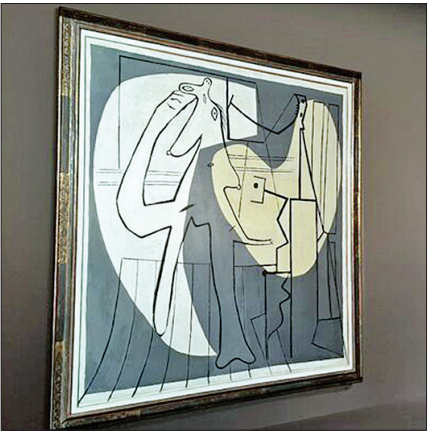
اهمیت و ارزش آثار پیکاسو در موزهٔ هنرهای معاصر

سمیع‌آذر دربارهٔ ارزش آثار پیکاسو در موزهٔ هنرهای معاصر می‌گوید: «بیشترین تعداد آثار یک هنرمند در موزهٔ هنرهای معاصر تهران، اول از اندی وارهول و بعد از پیکاسو است که البته در مورد پیکاسو آثار به مراتب مهم‌تری است. در بین آثار پیکاسو، دو نقاشی بسیار مهم وجود دارد که جزو بهترین آثار موزه است. یکی از آن‌ها تابلوی بزرگ و ارزشمند «نقاش و مدللش» از شیوهٔ کوبیسم خطی پیکاسو است که کل آن با یک خط‌ممتد و به سرعت خلق شده است؛ درحقیقت نقاش روی زمینهٔ خاکستری یک ضرب خط را ادامه داده و فیگورها را با هم ادغام کرده است. دومین نقاشی مهم پیکاسو در موزهٔ هنرهای معاصر تهران، «پنج‌رِای باز به خیابان پنتی یور» است که یک منظرهٔ شهری را به تصویر کشیده است. کارهای مهم دیگری هم از پیکاسو در موزه وجود دارد؛ ازجمله مجموعهٔ «زنان گریان» که نشان‌دهندهٔ تجربهٔ نافرجام پیکاسو با زنان مختلف است. این آثار چاپ روی کاغذ هستند. هم‌چنین مجسمه «بابون» یا «میمون» اثری است که پیکاسو آن را با ترکیب سه اسباب‌بازی‌فرزندش ساخته است، با قالب‌گیری از برنز. ادیشن ۲ از ۶ این اثر در کلکسیون موزه است. کمتر موزه‌ای در دنیا این تعداد اثر از پیکاسو دارد، احتمالاً فقط ۵ یا ۶ موزه در دنیا این تعداد اثر از پیکاسو داشته باشد. این جایگاه حتی با مهم‌ترین موزه‌های غرب امکان رقابت دارد؛ چراکه تنها سه موزهٔ پیکاسو در پاریس، بارسلون و مالاگا تعداد زیادی اثر از پیکاسو دارند و موزه‌های معدودی مثل موسا، متروپلیتن و گوگنهایم در نیویورک و موزهٔ لودویک کلسن و تیت لندن. سایر موزه‌ها اثر کمتری از پیکاسو دارند». سمیع‌آذر نمایش آثار پیکاسوی گنجینهٔ موزهٔ هنرهای معاصر را به صورت انفرادی اتفاق خوبی می‌داند و می‌گوید: «تنها از پیکاسو و اندی وارهول تعداد قابل توجهی اثر داریم که می‌توانند یکی دو گالری موزه را پر کنند. البته از ویکتور وازارلی هم یک‌سری اثر در موزه داریم که اهمیت به مراتب کمتری نسبت به پیکاسو و وارهول دارد. به هر جهت این نخستین باری است که آثار یک هنرمند مهم به صورت انفرادی به نمایش گذاشته می‌شوند. امیدوارم این اقدام در آینده با قرض گرفتن آثار هنرمندان مهم دیگر از موزه‌های مختلف جهان ادامه داشته باشد تا بتوانیم نمایشگاه‌های انفرادی بیشتری از هنرمندان مختلف برگزار کنیم؛ کاری که همهٔ موزه‌های مهم دنیا انجام می‌دهند».

دارند آثار هنرمند را مرمت کنند و حین کار گزارشی تهیه می‌کنند که مشخص می‌کند اثر در چه قسمت‌ها و تا چه حد مورد مرمت قرار گرفته است؛ تحت این شرایط تغییری در ارزش مادی و معنوی اثر صورت نمی‌گیرد.

تفاوت مرمت با بهبودسازی

سمیع‌آذر می‌گوید، در ایران رشتهٔ مرمت آثار هنری نداریم، بلکه رشتهٔ مرمت آثار و بناهای تاریخی را داریم و در ادامه می‌گوید: «در ایران کسی را نمی‌شناسم که در این حد تخصص مرمت داشته باشد. حتی اگر چنین کسی هم وجود داشته باشد، زمانی که پای یک اثر معتبر جهانی در میان است، صرفاً داشتن تخصص و تجربهٔ فردی که خودمان او را قبول داریم کافی نیست و باید مورد تأیید جهانی باشد». او دربارهٔ حواشی پیش‌آمده درخصوص آثار پیکاسو و این‌که آیا صرفاً بهبودسازی بوده یا نه، می‌گوید: «بهبودسازی صرفاً می‌تواند در حد باد گرفتن روی تابلو برای از بین بردن گردوخاک باشد و تابلو به هیچ عنوان نباید لمس شود. جین‌چروک پارچه تابلو هم همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، یک امر طبیعی است. به خاطر دارم زمانی که در موزهٔ هنرهای معاصر تهران بودم، از طرف کارشناسان بین‌المللی به من توصیه شد برای از بین بردن چروک پارچه و خطوطی که در اثر آن ایجاد شده، اثر را به یک موزه تراز اول دنیا بفرستم. این موزه‌ها، مرمت آثار را به صورت رایگان و با کمال میل انجام می‌دهند؛ زیرا آثار هنرمندی مانند پیکاسو صرفاً به لحاظ مادی به ما تعلق دارد و مالکیت معنوی آن متعلق به کل جهان است و میراث بشری



امانت‌سپاری برای مرمت

او در مورد این‌که مرمت این آثار باید در کجا و تحت چه شرایطی انجام شود می‌گوید: «تأکید می‌کنم اثر هنری هنرمندان جهانی تحت هیچ شرایطی نباید در ایران مرمت شود؛ چون مرمت نوعی مداخله در اثر هنری است و تمام لحظات انجام آن باید به صورت تصویری ثبت و مستندنگاری شود. مرمت باید توسط فردی مجرب و مجاز انجام گیرد و ثبت مراحل انجام آن برای این است که مشخص شود مرمت‌گر تا چه حد در اثر هنری مداخله کرده است. اگر مرمت سرخود و توسط فردی غیرمسئول انجام شود، قیمت اثر به‌شدت افت می‌کند. زمانی که در موزهٔ هنرهای معاصر بودم اگر قصد مرمت یک اثر را داشتیم، از فرصت «امانت‌سپاری» استفاده می‌کردیم؛ به‌گونه‌ای که آن اثر را به موزه‌های بسیار معتبر دنیا می‌فرستادیم تا مرمت شود. این موزه‌ها نه‌تنها متخصصان بسیار خوبی برای مرمت اثر هنری یا کنترل نگهداری آن دارند، بلکه ثبت و گزارش مرمت اثر توسط آن‌ها مورد تأیید بنیادهای هنرمندان است. اگر روزی به فرض محال قصد فروش تابلوی مرمت‌شده را داشته باشیم، خریدارها از موزه گزارش تصویری مرمت اثر را مطالبه می‌کنند تا شرایط اثر را بررسی کنند. حال اگر مشخص شود که آن اثر در تهران توسط متخصصانی که مورد شناسایی و تأیید جهانی نیستند مرمت شده، اثر افت قیمت پیدا خواهد کرد. ولی اگر مشخص شود اثر مثلاً توسط متخصصان موزهٔ پیکاسوی پاریس مرمت شده است، چون آن موزه متخصصان مرمت مورد تأیید جهانی دارد، افت قیمت اتفاق نمی‌افتد. گاهی مرمت اثر هنری تحت نظر بنیاد آن هنرمند صورت می‌گیرد که درست‌ترین حالت است. این بنیادها مسئولیت

شناسه آگهی ۱۸۹۶۹۴۰

نوبت اول

آگهی مناقصه (عمومی) (کد فراخوان: ۳۱۵۸۲۴۷۳)

شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد۱۳۸۵۰۰۱۳۰۹۲۴۴۰۲۰۰۳

۱- مناقصه گزار: شرکت گاز استان خراسان رضوی

۲- موضوع: احداث شبکه توزیع جهت گازرسانی به پروژه نهضت ملی مسکن ۳۴ هکتاری (سید مرتضی) شهرستان کاشمر به روش C

۳- شرایط اولیه متقاضیان:

الف- دارا بودن حداقل پایه تأسیسات و تجهیزات از سازمان برنامه و بودجه

ب- دارا بودن ظرفیت خالی ارجاع کار

د - دارا بودن گواهینامه تأیید صلاحیت ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی وارهانه آن درزمان بارگذاری اسناد

ج- ثبت نام در سایت www.setadiran.ir و دریافت گواهی امضای الکترونیکی

۴- مدت اعتبار پیشنهادها: از تاریخی که برای تسلیم آن در فراخوان ذکر شده تا مدت سه ماه می‌بایست معتبر باشد.

۵- مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: -/۱۶۶۴۶۵۰۰۰ (یک میلیارد و ششصد و شصت و چهار میلیون و ششصد و پنجاه هزار ریال) می باشد که می بایست بر اساس یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره۲۰۲/۱۳۴۴۰۲ت/۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹/۲۳/۹۴۰۰ و اصلاحات پس از آن تهیه گردد و حتما اصل آن قبل از آخرین مهلت ارائه پیشنهاد قیمت به صورت دستی تحویل دفتر حراست شرکت گاز استان خراسان رضوی واقع درمشهد - بلوار خیام - نبش تقاطع ارشاد- طبقه همکف گردد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶



شرکت گاز استان خراسان رضوی

تبصره: مطابق ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از شرکتها و موسسات دانش بنیان و اصلاحات بعدی آن، شرکتها و موسسات دانش بنیان در صورت شمول ماده مذکور و دارای صلاحیت مورد نیاز، شامل تخفیف ۵۰ درصدی در مبلغ سپرده تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار می باشند.

۶- مهلت اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ لغایت ۱۴۰۳/۰۱/۰۶

۷- آخرین مهلت بارگذاری اسناد و تسلیم پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

۸- پیشنهادهای واصله در ساعت: ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ در کمیسیون مربوطه باز و خوانده می‌شود و حضور پیشنهاد دهندگان و یا یک نفر نماینده مجاز آنها با همراه داشتن معرفی‌نامه ممهور به مهر شرکت در جلسه آزاد است.

۹- یادآور می گردد کلیه مراحل مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس

www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

۱۰- رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی الزامی است و صرفا موسسات و شرکتهای ایرانی ثبت شده در فهرست توانمندی های مندرج در سامانه توانیران مجاز می باشد

شایان ذکر است دسترسی به متن این آگهی، در سایت WWW.nige-khrz.ir امکان پذیر بوده و در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با تلفن: ۰۵۱-۳۷۰۷۲۲۰۹ تماس بگیرید.

روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان رضوی

دیدگاه: یادداشت سینمایی

توصیه منتقدانه

تماشای خود در آینه سینما



مهرزاد دانش منتقد



هفته پایان سال است. در این روزهای آخر سال، معمولاً شتاب برای خانه‌تکانی، خرید سال نو، جمع‌وجور کردن نهایی گزارش‌ها و کارهای اداری، برنامه‌ریزی برای سفرهای نوروزی و... بارزترین ویژگی محیط است. حتی اگر خودمان هم این کارها را نکنیم، اطرافیان زیادی هستند که بدین وضعیت مشغول‌اند. اما چند سال است به موازات تشدید تنگناهای معیشتی، این سنت‌ها هم رنگ باخته‌اند و جز قشری معدود، عموم مردم سردگریان نداری فرو برده‌اند. فقر، دل‌ودماغ را هم از آدمی می‌زداید و عید را برایش خالی از سنت‌های همیشگی می‌کند؛ نه‌فقط عید که حتی مناسک مذهبی هم چنین‌اند، کم‌اینکه چند سال است دیویازدیدهای افطاری مومنان روزده‌ار هم تحت تاثیر این قصه قرار گرفته و از رونق‌شان کاسته شده است. یکی از سنت‌های عید، اکران‌های نوروزی سینماست. از دیرباز در ایران، فیلم‌های اکران شده در فروردین، شخصی‌ویژه داشتند و حساب‌شان جدا از اکران‌های دیگر سال بود. اکنون چند فیلم در لحن‌های مختلف کودک، مذهبی، جنگی، خانوادگی و اجتماعی اکران شده‌اند که بسته به سلیقه و ذائقه افسراد مختلف، دست‌کم در ترکیب‌بندی و تنوع، می‌توانند مخاطبان مختلفی داشته باشند. اما نمی‌دانم در شرایطی با گرانی‌های روزافزون و تورمی افسارگسیخته که یک خانواده با درآمدی مثلاً ۲۰ میلیون تومان در ماه را با دشواری گذراندن معیشت مواجه می‌سازد، اصولاً محملی برای سینما رفتن باقی می‌ماند یا نه؛ ولی اگر همچنان انگیزه‌ای برای تماشای اکران‌های نوروزی در بین بخشی از مردن باقی‌مانده باشد، پیشنهاد من به‌عنوان یک منتقد فیلم، فیلم رها (حسام فرهمند) است. رها در نگاهی منتقدانه، البته فاقد ایراد نیست و مهم‌ترین ایرادش، پرده سوم فیلمنامه آن است که خود از چندین پایان تشکیل شده و به موزونی روایت و انسجام متن لطمه زده است، اما جدا از این، فیلم با توجه به اینکه تجربه نخست‌سازنده‌اش هم در ساخت فیلم بلند سینمایی است، ظرافت‌های قابل توجهی در بهره‌گیری از عناصر محیطی در حس دادن به میزانسن (تصویری فانتزی که دختر داستان روی دیوار اتاق و نیز لب‌تایش چسبانده، نوع قرارگیری پسر داستان در میزانسن‌های مختلف در کنار خانواده که با توجه به رازی که بعداً برملا می‌شود، حساب شده و بامعنا است، استفاده از موتیف گیسوان دختر که آغاز، میانه و انتهای فیلم، بروزی شاخص و درست دارد و لوگوی نام فیلم هم متأثر از همین عنصر است و...) دارد و البته در کنار آن بازی خوب شهاب حسینی و دیگران هم امتیاز دیگری است. اما شاید آنچه بر توصیه به تماشای فیلم در این روزهای دشوار معیشتی تاکید بیشتری می‌کند، سپهر ملموس و باورپذیر و همدلانه اثر با عموم مردمی است که در این شرایط به سر می‌برند. از این بعد، فیلم رها، نسبت به دیگر فیلم‌های درحال اکران که در فاز دیگری به سر می‌برند، گریبان حسی و معرفتی مخاطب را بیشتر می‌گیرد و او را به خود جذب می‌کند. بیکاری و نداری مرد خانواده که سایه‌اش به تدریج همه ابعاد انسانی مجموعه خانواده‌اش را در بر می‌گیرد، موقعیت آشنایی را آینه‌وار نزد مخاطب می‌گستراند که با آن احساس غربت و بیگانگی نمی‌کند. رها یک فیلم خانوادگی است که تلنگرهایی اجتماعی در بسامد درام خود پرورش می‌دهد، اما نمی‌دانم در روزگاری که دعوای مبتذل جناحی پشت ابلاغ فلان لایحه بی‌ربط به معیشت و رفاه مردمان غوغا درمی‌افکند و برملا شدن تلخ و بی‌دربی مفاسد گسترده مدیران قدیس‌نما پشت سیاست‌های واردات و ارز، زخم بر روح مردمان فقیر می‌زند، این بسامد محلی از اعراب دارد یا نه. اما اگر همچنان اهل تماشای فیلم در اکران نوروز هستید، رها را ببینید. لااقل در سالن تارک نمایش، احساس غربت نمی‌کنید. آنجا روی پرده، خودمان را می‌بینیم.

دنیل کریگ به ناریارفت

دنیل کریگ برای بازی در فیلم «نارنیا: خواهرزاده شعیبه‌باز» به کارگردانی گرتا گرویگ انتخاب شده است. احتمالاً بازی در این فیلم عاملی بوده که موجب شده وی به‌تازگی از فیلم در دست ساخت لوکا گوادانینو که زمان فیلمبرداری آن هم‌زمان با «نارنیا» بود، کنار برود. به نظر می‌رسد کریگ در فیلم «نارنیا» در نقش عمو اندرو کنرلی بازی کند.

وحشی سیدی می‌آید

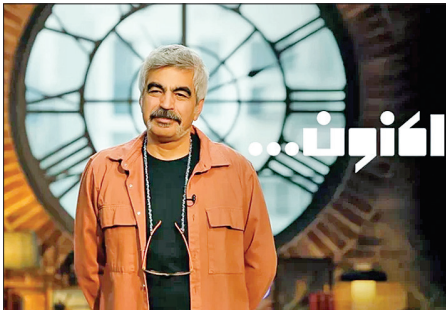
سریال «وحشی» به نویسندگی و کارگردانی هومن سیدی و تهیه‌کنندگی محمدرضا صابری از دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ به صورت اختصاصی از فیلم‌نت منتشر می‌شود. در آستانه پخش از آژونس رسمی این اثر رونمایی شد. «وحشی» دومین تجربه همکاری جواد عزتی و نگار جواهریان با هومن سیدی در قامت بازیگر و کارگردان است. عزتی ۱۵ سال قبل در «آفریقا»، نخستین فیلم بلند سیدی همکاری داشت.

آنگ لی، بروس لی می‌سازد

آنگ لی، کارگردان تایوانی برنده اسکار، پس از سال‌ها امیدوار است که به زودی فیلمی درباره زندگی اسطوره هنرهای رزمی، بروس لی، را مقابل دوربین ببرد. احتمالاً تولید فیلم در سال ۲۰۲۵ آغاز می‌شود و قرار است میسون لی، فرزند این کارگردان، در نقش اصلی ظاهر شود. لی گفت: چندین سال طول کشید تا بفهمم چطور این فیلم را بسازم و راهی برای ارتباط با آن پیدا کنم.

گرانی عامل کاهش مشترکان

هزینه اشتراک دو پلتفرم اصلی بیش از ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد



مختلف پخش می‌شود و مخاطبان نگرانی از بابت از دست دادن یک قسمت ندارند. این دسته از تماشاگران بدون هیچ هزینه‌ای به تماشای برنامه‌های شبکه خانگی می‌نشینند و حتی بسیاری از آنها نمی‌دانند که هریک از این سریال‌ها و برنامه‌ها از کدام یک از این پلتفرم‌ها پخش می‌شود. چراکه، نه پولی بابت اشتراک پرداخت می‌کنند و نه هزینه اینترنت مصرفی را می‌پردازند. از سوی دیگر، مخاطبانی که دست به داندو برنامه‌های شبکه خانگی از طریق تلگرام یا اینستاگرام می‌زنند، تنها هزینه اینترنت را پرداخت می‌کنند بدون اینکه مشترک پلتفرم‌ها شوند. تعداد کانال‌هایی که تمامی سریال‌ها و برنامه‌های شبکه خانگی را ساعتی پس از پخش در اختیار کاربران قرار می‌دهند، رشد قارچ‌گونه دارد و از طریق در دسترس قرار دادن این سریال‌ها و تبلیغات که از این طریق کسب می‌کنند، درآمد بالایی دارند. حالا با افزایش بیش از ۲۰ درصدی حق اشتراک پلتفرم‌ها پیش‌بینی می‌شود، تعدادی از مشترکان از پرداخت هزینه اشتراک بالا منصرف شده و راه‌های دیگری را برای تماشای محصولات پلتفرمی برگزینند. چراکه با بالا رفتن هزینه‌های زندگی، مردم به طور طبیعی هزینه‌های فرهنگی را ابتدا از سبد اقتصادی خود حذف می‌کنند و راه‌های جایگزین را برای دستیابی به این محصولات پیدا خواهند کرد.

تا نظر مشترکان قدیمی خود را که احتمالاً از پرداخته هزینه اشتراک دست کشیدند، جلب کرده و دوباره آنها به ادامه خرید اشتراک تشویق کنند. در طول سال به طور مدام از این پلتفرم‌ها پیامک‌هایی به مشترکان ارسال می‌شود که تخفیف‌هایی را به بهانه مختلف به اجرا درمی‌آورند. این تخفیف‌ها گاهی تا ۵۰ درصد هزینه اشتراک را هم شامل می‌شود و جالب اینجاست که پلتفرم‌ها برای اطلاع‌رسانی درباره این تخفیف‌ها به کانال‌های خبر متمسک می‌شوند و با انتشار آگهی‌های تبلیغاتی در کانال‌های خبری پرکاربر، درباره تخفیف‌هایی که بر هزینه اشتراک اعمال کرده، اطلاع‌رسانی می‌کنند. حال سوال اینجاست که با وجود نیاز به چنین تبلیغات پرهزینه‌ای در کانال‌های خبری، چرا پلتفرم‌ها اقدام به بالا بردن هزینه اشتراک خود می‌کنند که ناچار شوند چنین تخفیف‌هایی را اعمال کرده و مردم را تشویق به خرید اشتراک خود کنند. سریال‌ها و برنامه‌های شبکه خانگی به راحتی در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد و آنهایی که از طریق ماهواره به تماشای این برنامه‌های می‌نشینند، به راحتی و بدون صرف هزینه می‌توانند به دفعات به تماشای این سریال‌ها بنشینند، تنها تبلیغات بازرگانی تکراری میان پخش این سریال‌هاست که مخاطبان را آزار می‌دهد اما در طول هفته یک قسمت از سریال بارها از شبکه‌های

در موج تازه افزایش قیمت محصولات فرهنگی، بهای اشتراک پلتفرم‌های نمایش خانگی هم بالا رفت. با بالا رفتن قیمت بلیت سینماها از ۸۰ به ۱۰۰ هزار تومان حالا نوبت به اشتراک پلتفرم‌ها رسیده تا این قیمت تماشای سریال‌های خانگی هم بالا برود. این درحالی است که روزی‌روز به تعداد افرادی که از طریق ماهواره یا داندو غیرقانونی به تماشای سریال‌های شبکه خانگی می‌نشینند، افزوده می‌شود و با بالا رفتن هزینه اشتراک طبیعی است که تعداد بیشتری از تماشاگران از پرداخت هزینه منصرف شده و از راه‌های دیگر به تماشای سریال‌های پلتفرمی بنشینند.

پلتفرم‌های فیلمو و فیلم‌نت بازار وی‌اودی هزینه اشتراک خود را به نزدیکی ۲۰۰ هزار تومان رساندند تا دو بازیگر اصلی این روزهای صنعت وی‌اودی، سسال ۱۴۰۴ را با افزایش قیمت آغاز کرده باشند. درحالی که در روزهای گذشته، پلتفرم فیلمو با افزایش اشتراک ماهانه از ۱۶۵ هزار تومان به ۱۹۸ هزار تومان، موج تازه‌ای از گرانی را در این صنعت کلید زد، پلتفرم فیلم‌نت نیز از امروز هزینه اشتراک ماهانه‌اش را از ۱۵۰ هزار تومان به ۱۹۰ هزار تومان رساند و به رقیبش پیوست. افزایش یادشده معادل ۲۰ درصد در پلتفرم فیلمو و ۲۶.۶ درصد در پلتفرم فیلم‌نت است. روند گرانی‌های سرویس‌های وی‌اودی در سال‌های گذشته نشان می‌دهد احتمالاً هزینه اشتراک سرویس‌های رقیب نیز به زودی بالا خواهد رفت. نکته مهم آنکه ارقام یادشده بعد از افزودن ۱۰ درصد به‌عنوان مالیات بر ارزش‌افزوده به حدود ۲۲۰ هزار تومان (در فیلمو) و حدود ۲۱۰ هزار تومان (در فیلم‌نت) می‌رسد و از آنجا که هم‌اکنون چهار سرویس اشتراکی ایرانی به تولید و پخش جدی سریال‌های خانگی می‌پردازند، پرداخت مجموع این ارقام برای بسیاری از اقشار مخاطبان ساده نیست.

فیلمو که حدود سه ماه پیش همراه با رقیبش فیلم‌نت به پیشواز بلیت ۱۰۰ هزارتومانی سینما رفته بود و بهای بلیت اکران آنلاین را پیش از افزایش قیمت بلیت اکران روی پرده گران کرده بود، هم‌زمان با اکران آنلاین فیلم «عزیز» به فاصله حدود سه ماه، یک بار دیگر بلیت اکران آنلاین را افزایش داد و ۱۳۰ هزار تومان تعیین کرد که با احتساب مالیات، به ۱۴۳ هزار تومان می‌رسد!

با افزایش قیمت اشتراک پلتفرم‌ها که پس از گرانی ۲۵ درصدی بلیت سینما اتفاق می‌افتد، به نظر می‌رسد موج تازه‌ای از گرانی در محصولات فرهنگی رخ داده یا درحال رخ دادن است. فیلم‌نت البته برای عید نوروز، طرح موقت تخفیف ارائه کرده که گاه تا ۶۰ درصد تخفیف به مشتریان می‌دهد. اما تجربه نشان داده که تمامی پلتفرم‌ها این طرح‌ها را به دفعات در طول سال به اجرا درمی‌آورند

شناسه آگهی ۱۸۹۸۷۵۴ نوبت اول

آگهی مزایده شماره ۵۰۰۳۰۰۳۱۹۲۰۰۰۰۰۶



اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان

اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان در نظر دارد بر اساس ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و آیین‌نامه اجرایی ذریب‌ط و در راستای بهبود ارائه خدمات و جلب مشارکت بخش غیر دولتی، امور نگهداری و حق بهره برداری فضای داخلی غار علیصدر را در قالب اجاره، با رعایت مقررات و شرایط عمومی و اختصاصی مزایده و حفظ مالکیت دولت، از طریق برگزاری مزایده آنلاین، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) به صورت الکترونیکی به بخش غیر دولتی واگذار نماید.

– زمان انتشار در سایت: از ساعت ۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ تا ساعت ۱۷:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

– مهلت ارائه در یافت اسناد مزایده: تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۴

– مهلت ارائه پیشنهاد: از ساعت ۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ تا ساعت ۱۷:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

– مهلت بازدید: مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۱/۱۵ (از ساعت ۸:۰۰ لغایت ۱۷:۰۰)

– زمان بازگشایی مزایده: مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ (ساعت ۹:۳۰)

– زمان اعلام برنده: مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ ساعت ۱۴:۰۰ (ساعت ۱۳:۰۰)

ورشکستگی آبی

سازندگی بررسی می کند: چرا ناگهان سدهای تهران خالی شدند؟

◀احمدرضا مومنی

خبرنگار

تهران، کلانشهری که روزگاری آب شرب خود را از سدهای پرآب البرز تامین می کرد حالا در آستانه یک بحران بی سابقه قرار گرفته است. سدهای اطراف پایتخت تقریباً خشک شده‌اند، چاه‌های زیرزمینی به مرز هشدار رسیده‌اند و فرونشست زمین، خطری جدی برای زیرساخت‌های شهری شده است. اما آیا این وضعیت طبیعی است یا چیزی در پس پرده وجود دارد؟ بررسی جدیدترین آمار نشان می‌دهد که وضعیت سدهای اصلی تهران در شرایط فاجعه‌باری قرار دارد: سد لتیان (یکی از ۵ سد اصلی تامین آب تهران) تنها ۱۲ درصد ظرفیت خود را آب دارد. سد ماملو به ۱۲ درصد کاهش یافته است. سد امیرکبیر (کرج) که همواره از منابع پرآب تهران بود، تنها ۷ درصد آب دارد. سد لار در بحرانی‌ترین وضعیت خود قرار گرفته و تنها ۱ درصد از ظرفیت آن پر است. به زبان ساده، آب قابل استفاده‌ای که برای تامین جمعیت حدود ۹ میلیون نفری تهران باقی مانده، کمتر از هر زمان دیگری در طول تاریخ است.

◀ آیا این کاهش طبیعی است؟

این سؤال که آیا چنین افتی در ذخایر آبی منطقی و صرفاً ناشی از کم‌بارشی است یا عوامل دیگری نیز دخیل‌اند، نگرانی‌های زیادی را ایجاد کرده است. اگر ماجرای پنهانی در میان نباشد؛ چندین عامل در این بحران نقش دارند:

کاهش شدید بارندگی‌ها:

گزارش‌های سازمان هواشناسی نشان می‌دهد که میزان بارندگی در سال جاری نسبت به میانگین بلندمدت حدود ۴۶ درصد کاهش یافته است. همچنین میزان بارش برف در ارتفاعات البرز نیز بسیار کمتر از حد معمول بوده، که بر میزان ذخایر سدها تأثیر مستقیمی داشته است.

افزایش مصرف آب:

تهران به طور روزانه حدود ۳.۵ میلیون متر مکعب آب مصرف می‌کند، در حالی که ورودی سدها تنها ۴۲ درصد نیاز روزانه را تامین می‌کند. الگوی مصرف شهروندان تغییر نکرده و همچنان آب برای شست‌وشوی معابر، آبیاری باغچه‌ها و مصارف غیرضروری استفاده می‌شود. در ایام خانه‌تکانی پایان سال، مصرف آب به شدت افزایش یافته است بدون اینکه راهکاری برای مدیریت این افزایش وجود داشته باشد.

مدیریت ناکارآمد منابع آبی:

شبکه انتقال آب تهران با هدررفت ۳۰ درصدی مواجه است. این یعنی از هر ۳ لیتر آبی که تصفیه و وارد شبکه می‌شود، یک لیتر آن قبل از رسیدن به شهروندان از بین می‌رود. برنامه مشخصی برای بازیافت و استفاده مجدد از پساب‌های شهری وجود ندارد، در حالی که در بسیاری از کشورهای خشک، این راهکار به عنوان یک استراتژی اصلی استفاده می‌شود.

برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و فرونشست زمین:

اکنون حدود ۷۰ درصد از آب مصرفی تهران از چاه‌های زیرزمینی تامین می‌شود، در حالی که این نسبت در سال‌های گذشته معکوس بود و ۷۰ درصد آب از سدها تامین می‌شد. به دلیل این برداشت بی‌رویه، دشت‌های جنوب تهران در حال نشست هستند و مناطقی مانند اسلامشهر، رباط‌کریم و بخش‌هایی از جنوب تهران با نرخ فرونشست ۳۰ سانتی‌متر در سال مواجه‌اند. فرونشست زمین نه تنها

باعث شکاف‌های عمیق در زمین شده بلکه ایمنی خطوط گاز، برق، مترو و حتی ساختمان‌ها را هم تهدید می‌کند.

◀ خطر جیره‌بندی آب جدی

اگر شرایط فعلی ادامه پیدا کند، سناریوی جیره‌بندی آب در تابستان قطعی خواهد شد. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران هشدار داده است که در صورت عدم مدیریت مصرف، آب شرب در برخی مناطق تهران به صورت نوبتی و با فشار پایین توزیع خواهد شد. در حال حاضر برخی مناطق تهران، به‌ویژه در طبقات بالاتر، دچار افت فشار آب هستند و در ساعات



شبانه‌روز، آب با فشار بسیار کم در دسترس است. برنامه‌های قطع مقطعی آب برای برخی نقاط پایتخت در حال بررسی است تا مانع از تخلیه کامل ذخایر سدها شود.

◀ آیا بحران آب تهران مشکوک است؟

کارشناسان محیط‌زیست هشدار می‌دهند که اگر اقدام فوری صورت نگیرد، تهران در سال‌های آینده دچار بحران آب غیرقابل بازگشت خواهد شد. مدیریت مصرف آب شهری باید تغییر کند؛ نصب تجهیزات کاهنده مصرف آب در منازل و ادارات، جایگزینی روش‌های سنتی شست‌وشو و کنترل مصرف در صنایع از جمله اقدامات ضروری است.

اصلاح شبکه توزیع و کاهش هدررفت آب باید اولویت باشد زیرا هر لیتر آب تصفیه شده‌ای که به دلیل فرسودگی شبکه از بین برود، خسارتی جبران‌ناپذیر است. نظارت بر چاه‌های عمیق و کاهش برداشت از منابع زیرزمینی ضروری است؛ سیاست‌گذاری‌های جدید باید برداشت از این منابع را محدود کرده و به سمت روش‌های پایدارتر برود. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تامین آب جایگزین مانند تصفیه پساب، انتقال آب از منابع پایدارتر و ایجاد سدهای جدید، راه‌حلی برای میان‌مدت و بلندمدت خواهد بود.

بحران بی‌سابقه‌ای در تامین آب تهران در حال شکل‌گیری است. بسیاری می‌پرسند که آیا این کم‌آبی نتیجه طبیعی کاهش بارندگی است، یا عوامل دیگری هم در آن دخیل هستند. برای پاسخ به این پرسش با رضا فلاحیان، کارشناس منابع آب و مدیریت بحران گفت‌وگو کردیم. او به «سازندگی» می‌گوید: بدون شک کاهش بارندگی‌ها یکی از عوامل مهم در این بحران است اما نمی‌توان گفت که تمام مشکل از همین عامل ناشی می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که میزان بارندگی در سال جاری نسبت به میانگین بلندمدت ۴۶ درصد کاهش یافته است که مقدار چشمگیری محسوب می‌شود. اما مساله اینجاست که ما هر ساله با دوره‌های خشکسالی مواجه بوده‌ایم و نباید چنین افتی باعث بحران ناگهانی نشود. به عبارت دیگر، یک سیستم مدیریت منابع آب باید بتواند چنین نوساناتی را پیش‌بینی کند و برای آن برنامه‌ریزی داشته باشد. این افت‌ها رخ نداده است.

او ادامه می‌دهد: تهران سال‌هاست که از نظر مصرف آب با مشکلات ساختاری مواجه است. ۳۰ درصد از آب شرب در شبکه توزیع به هدر می‌رود که رقم بالایی است. همچنین برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی که حالا به حدود ۷۰ درصد منابع آب شرب تهران رسیده، باعث شده آبخوان‌های زیرزمینی تحلیل بروند و منجر به فرونشست زمین در برخی مناطق تهران شود. این سیاست‌ها در طولانی‌مدت سبب شده که حالا در شرایط بحرانی قرار بگیریم. فلاحیان در پاسخ به این پرسش که برخی معتقدند که این کاهش آب در سدها ممکن است مشکوک باشد، تأکید می‌کند: این یک مساله حساس است. برخی شایعات درباره انتقال آب از سدهای اطراف تهران به مناطق دیگر مطرح شده اما از نظر رسمی تاکنون چنین چیزی تأیید نشده است. آنچه که ما می‌توانیم با قطعیت بگوییم این است که میزان ورودی آب به سدهای تهران نسبت به میانگین ۵ ساله اخیر ۲۹ درصد کمتر شده که نشان می‌دهد، کاهش آب ناشی از خشکسالی و افزایش تبخیر بوده است. اما اگر مسائلی مانند برداشت‌های غیرقانونی یا انتقال آب بدون اطلاع‌رسانی رخ داده باشد این موضوع نیاز به بررسی‌های مستقل دارد. او با بیان اینکه بحران بیشتر ناشی از ضعف در برنامه‌ریزی و مدیریت مصرف است تا عوامل مشکوک، تأکید می‌کند: ما

در ایران الگوی مصرف پایداری نداریم. در بسیاری از کشورهایی که بارندگی بسیار کمتری از ایران دارند، مدیریت بهتری روی مصرف و بازیافت آب انجام شده است. برای مثال در شهرهای خشک آمریکا مانند لس‌آنجلس و لاس‌وگاس حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد آب شهری از بازیافت پساب تامین می‌شود. در تهران این رقم نزدیک به صفر است! ما همچنان از آب شرب برای مصارفی مثل آبیاری فضای سبز یا شست‌وشوی معابر استفاده می‌کنیم که کاملاً غیرمنطقی است. فلاحیان با اشاره به راهکارهایی برای بروزرفت از این معضل تأکید می‌کند: همان‌طور که گفتیم ۳۰ درصد از آب توزیع شده هدر می‌رود که در شرایط فعلی اصلاً قابل قبول نیست. اکنون دشت‌های اطراف تهران در وضعیت ممنوعه بحرانی قرار گرفته‌اند و چاه‌های عمیق جدید تنها وضع را بدتر می‌کنند. همچنین در اطراف تهران هنوز روش‌های آبیاری سنتی مصرف بالایی دارند و باید سریع‌تر به آبیاری قطره‌ای و سیستم‌های هوشمند تغییر یابند. به اضافه اینکه تصفیه فاضلاب شهری و استفاده مجدد از آن در بخش صنعت و فضای سبز می‌تواند، فشار زیادی را از دوش منابع آب شرب بردارد. در بسیاری از کشورها برای کاهش مصرف، سیاست‌های قیمتی و جرایم مصرف بی‌رویه اعمال می‌شود. این سیاست می‌تواند در تهران هم اجرا شود تا مردم به صرفه‌جویی تشویق شوند.

◀ قطره‌های آخر

تهران در آستانه تابستانی قرار دارد که می‌تواند یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ این شهر از نظر تامین آب باشد. اگر شهروندان الگوی مصرف خود را اصلاح نکنند و مدیریت منابع آبی تغییر نکنند، شرایطی که اکنون به عنوان «وضعیت قرمز» توصیف می‌شود، ممکن است به نقطه‌ای غیرقابل بازگشت برسد. اکنون زمان آن است که همه، از مسئولان تا تک‌تک شهروندان، برای نجات تهران از تشنگی اقدامی جدی انجام دهند. اگر امروز مصرف خود را مدیریت کنیم شاید بتوانیم تهران را از سرنوشت هولناکی که در انتظارش است، نجات دهیم. اما اگر این بحران جدی گرفته نشود، روزی خواهد رسید که دیگر حتی برای جیره‌بندی هم آبی باقی نمانده باشد.

ترویج فرهنگ نیکوکاری با حمایت همراه اول از بیماران پروانه‌ای

من» و اهدای امتیازات باشگاه فیروزه‌ای به موسسه خیریه خانه ای‌بی، زمینه‌ساز استقبالی چشمگیر از طریق مشارکت میلیونی مشترکان شد. در آن پروژه مشترکان می‌توانستند امتیازات جمع شده باشگاه فیروزه‌ای خود را در امر خیر حمایت از بیماران پروانه‌ای هزینه کنند؛ فرآیند هم به این شکل بود که همراه اول معادل ریالی امتیازات اهداء شده را به حساب بانکی خانه‌ای‌بی انتقال می‌داد. پیش از این نیز اپلیکیشن اوانو (Ewano) که توسط شرکت همراه کسب‌وکارهای هوشمند به عنوان بازوی دیجیتال همراه اول توسعه یافته است، کمپین «اوانو، همراه مهریانی» را راه‌اندازی کرده بود. براساس این کمپین با هر تراکش کاربران در اپلیکیشن اوانو تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ مبلغ ۱۴۰۴ ریال از سویی این شرکت به حساب موسسه خیریه خانه‌ای‌بی واریز می‌شود.

گزارش

تشکیل «نهاد حکمیت»

در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

نهاد داوری و حکمیت در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برای اولین بار تشکیل شد. پیش از این چنین نهادی وجود نداشت. پس از آنکه رضا دژآگاه، فعال اقتصادی و مدیر شرکت ساختمان‌سازی لوتوس، نامه‌ای به رئیس انجمن صنفی نوشت و از او تقاضای بررسی اختلافات وی با یاشار سلطانی، روزنامه‌نگار شه‌ری را کرد، انجمن صنفی برای بررسی اختلاف پیش آمده، اولین جلسه حکمیت را در دفتر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برگزار کرد. در این جلسه علاوه بر شاکي و متشاکي، آقایان محمدصالح نیکبخت، هادی خانیکي، پیروز خانچي، بهروز بهزادی، عمادالدین باقی، شهاب‌الدین طباطبایی، افشین امیرشاهی، حمیدرضا اسلامی و اکبر منتجبی به عنوان داوران انجمن صنفی حضور یافتند. طرفین موارد مورد نظر و اختلاف را در ارتباط با موضوع بیان کردند. آقای رضا دژآگاه تأکید داشت که در یک مزایده قانونی شرکت کرده و با اینکه فسادی بر او روا نیست، چرا آقای یاشار سلطانی، نام وی را بر خبری گذاشته که به وی مربوط نیست. آقای سلطانی نیز تأکید کرد که هدفش از انتشار این گزارش، انتقاد از دولت برای واگذاری ارزان‌قیمت زمین‌ها به افراد مختلفی بود. پس از سخنان هر دو طرف که قریب به نیم‌ساعت سخن گفتند، داوران در اولین جلسه وارد بحث شدند و پیشنهادهایی ارائه کردند. نهایتاً نیز با پیشنهاد داوران، مقرر شد تا بررسی دقیق‌تر موضوع، آقای دژآگاه، شکایت قضایی خود را از آقای سلطانی پس بگیرد همچنین مطالب منتشر شده توسط یاشار سلطانی در سایت و حساب‌های کاربری ایشان در شبکه‌های اجتماعی به صورت موقت حذف شود. انجمن صنفی در اطلاعیه‌ای که در در این خصوص منتشر کرد، ابراز امیدواری کرد با تقویت نهاد داوری و حکمیت در انجمن صنفی بتواند به طور اصولی اختلافات داخلی روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها و نیز اختلافات بین شکات و اهالی رسانه را به شکل حرفه‌ای مورد رسیدگی قرار دهد و از آسیب‌های ناشی از انجام امور در روندهای قضایی پیشگیری کند و در نهایت نهاد صنفی رسانه‌ای را تقویت کند. اما چرا تشکیل نهاد حکمیت برای روزنامه‌نگاران حائز اهمیت است؟

◀ اول: حل اختلافات

نهاد حکمیت و داوری در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران می‌تواند، نقش مؤثری در حل‌وفصل اختلافات میان اعضای انجمن ایفا می‌کند. اختلافات می‌تواند از مسائل کاری، سردی‌ری، مدیریت محتوا تا مسائل حقوقی و اخلاقی متفاوت باشند. با وجود نهاد حکمیت و داوری، اعضا می‌توانند از روندهای طولانی قضایی اجتناب کنند و به جای آن، اختلافات خود را در یک محیط منصفانه و عادلانه حل کنند. این فرآیند نه تنها باعث حل سریع‌تر و مؤثرتر اختلافات می‌شود بلکه به حفظ روابط حرفه‌ای و جلوگیری از تشدید تنش‌ها کمک می‌کند. به‌علاوه با تکیه بر دانش و تجربه داوران، می‌توان به تصمیماتی رسیده که هم از نظر حقوقی و هم از نظر اخلاقی و حرفه‌ای صحیح باشند.

◀ دوم: حفظ اعتبار حرفه‌ای

حفظ اعتبار حرفه‌ای در میان روزنامه‌نگاران و نشریات یکی از مهم‌ترین وظایف نهاد حکمیت و داوری است. این نهاد می‌تواند با بررسی رفتارها و عملکرد اعضا، معیارهای حرفه‌ای را تعریف و ترویج کند. برای مثال در مواردی که اعضا متهم به رفتارهای غیرحرفه‌ای می‌شوند، نهاد حکمیت و داوری می‌تواند با بررسی دقیق و مستقل به واقعیت دست یابد و تصمیمات مناسبی اتخاذ کند. این اقدامات به حفظ استانداردهای حرفه‌ای و تقویت اعتبار انجمن کمک می‌کنند. همچنین این نهاد می‌تواند با برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های حرفه‌ای به ارتقای سطح دانش و مهارت‌های اعضا کمک کند. در نتیجه، اعضا می‌توانند با اطمینان بیشتری به کار خود ادامه دهند و به عنوان روزنامه‌نگارانی معتبر و قابل اعتماد شناخته شوند.

◀ سوم: تقویت اعتماد عمومی

وجود نهاد حکمیت و داوری در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی به رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران کمک کند. وقتی عموم مردم بدانند که یک نهاد مستقل و منصفانه وجود دارد که به شکایات و نارضایتی‌های آنان رسیدگی می‌کند، اعتماد بیشتری به رسانه‌ها خواهند داشت. این اعتماد عمومی می‌تواند به افزایش مخاطبان و حمایت از رسانه‌ها منجر شود. به علاوه، نهاد حکمیت و داوری می‌تواند با شفافیت و پاسخگویی به مسائل به جامعه اطمینان بدهد که رسانه‌ها به اصول اخلاقی و حرفه‌ای پایبند هستند. این شفافیت و پاسخگویی نه تنها به تقویت اعتماد عمومی کمک می‌کند بلکه به رسانه‌ها امکان می‌دهد تا به طور مؤثرتری با مخاطبان خود در ارتباط باشند و نظرات و بازخوردهای آنان را در بهبود کار خود مورد استفاده قرار دهند.

◀ افزایش همکاری و همبستگی

نهاد حکمیت و داوری می‌تواند به تقویت همکاری و همبستگی میان اعضای انجمن کمک کند. اختلافات و تنش‌ها می‌توانند موجب کاهش روحیه و انگیزه اعضا شوند. با حل‌وفصل این اختلافات به شیو‌ای منصفانه و محترمانه، اعضا می‌توانند با اعتماد و اطمینان بیشتری به کار خود ادامه دهند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدافضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتانی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

تشکیلات مخوف

سالروز تاسیس سازمانی که بر ضدحکومت پهلوی تبدیل شد

و امکان دسترسی مستقیم به شاه به او داده شد.

◀ هدف شاه از تشکیل ساواک

محمدرضاشاه با هدف شناسایی تهدیدهای داخلی و خارجی علیه حکومت به این فکر افتاده بود بنابراین تیمور بختیار از طرف او راهی آمریکا شد تا نحوه کار سیا و اف.بی.آی را بررسی کند بنابراین ریزی و آموزش آمریکایی‌ها در تبدیل ساواک به یک سازمان اطلاعاتی کارآمد حیاتی بود. با این مقدمه طرح تشکیلاتی ساواک پیش



از تصویب و تشکیل آن، آماده بود و دولت اسدالله علم زمان ارسال لایحه به مجلس تاکید کرد که این قانون متضمن هیچ‌گونه مضاری برای کشور نخواهد بود و نگرانی مخالفان را بی‌مورد دانستند. پس از تصویب در مجلس، ابراهیم خواجه‌نوری یکی از اعضای مجلس سنا آن را ظالمانه‌ترین لایحه‌ای عنوان کرد که تا آن زمان به سنا ارائه شده است. هرچند انتقادات او هم مانع ابلاغ قانون نشد و نهایتاً رأی به تایید آن داده شد. به دنبال آن هم «قانون حفظ امنیت اجتماعی» از تصویب نمایندگان مجلسین شورای ملی و سنا گذشت تا دست ساواک برای محکومیت و تبعید برای مخالفان حکومت باز شود.

◀ تشدید برخوردها

فعالیت‌های ساواک ۱۵ سال پس از تاسیس با تشکیل کمیته مشترک ضدخبرکاری در اداره سوم در بهمن ماه سال ۱۳۵۰ به اوج خود رسید، آن هم در شرایطی که حدود یک سال قبل، چریک‌های فدایی خلق به پاسگاه سیاهکل حمله کردند و در واقع نخستین مبارزه مسلحانه گروهی علیه حکومت پهلوی دوم رقم خورده بود. تشکیل کمیته مشترک برای قوی‌تر کردن سد دفاعی حاکمیت در مبارزه با این‌گونه تحركات نیروهای چپ اتفاق افتاد و ارتش و دیگر نیروهای امنیتی، توان دخالت و چانه‌زنی با این کمیته و شکنجه‌گران آن را نداشتند. به نوشته یروند ابراهامیان؛ اعضای نیروهای ساواک در مجموع بالغ بر ۵ هزار و ۳۰۰ مامور تمام‌وقت و شمار بسیاری از جاسوسان ناشناس را در بر می‌گرفت، این نهاد می‌توانست، رسانه‌های گروهی را سانسور کند، متقاضیان مشاغل دولتی را گزینش کرده و بر پایه اظهارات منابع قابل اعتماد غربی

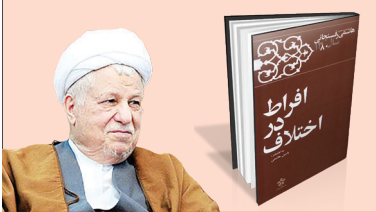


کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نه‌تنها ایران را از مسیر تاریخی تغییر داد که بهانه‌ای شد تا ۳ سال بعد یکی از مخوف‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی پیش از انقلاب در ایران راه‌اندازی شود. محمدرضاشاه پهلوی نگران قدرت یافتن کمونیست‌ها و چپ‌گرایی در ایران بود بنابراین چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۳۵ هیات وزیران طرح تشکیل سازمان امنیت را تصویب کرد و این سازمان در بیست‌وسومین روز اسفند همان سال تشکیل شد. محل استقرار سازمان امنیت در خیابان ایرانشهر در نظر گرفته شده بود تا با حضور ۳۵ تن از افسران و درجه‌داران ستاد ارتش کار را آغاز کنند. سازندگی به مناسبت سالگرد تاسیس این سازمان به برخی زوایای تاریخی آن پرداخته است.

◀ تلاش مخالفان نتیجه نداد

به دنبال تشکیل ساواک نگرانی از گسترش سرکوب مخالفان در ایران هم بیشتر شد اما مسئولان دولتی سعی داشتند، حضور ساواک را با کلیدواژه «جلوگیری از عملیات خرابکارانه» برای حفظ امنیت توجیه کنند. طبق نوشته‌های عیسی پژمان، آخرین نماینده ساواک در عراق سرلشکر حسن پاکروان، رئیس سابق رکن ۲ ارتش مامور تدوین طرح اولیه ساواک بود. سپهد محسن مبصر هم در خاطرات خود، اظهارات عیسی پژمان را تایید کرده است، اگرچه شواهدی هم درباره همکاری نزدیک برخی افسران ارشد سیا با دولت کودتا و فرمانداری نظامی تیمور بختیار برای این کار وجود دارد. مارک. ج. گازیووروسکی در این باره نوشته است: سیا تعلیم نیروهای اطلاعاتی ایران را نیز آغاز کرد. در سپتامبر ۱۹۵۳ [۱۳۳۲] یک سرهنگ ارتش امریکا که سال‌ها برای سیا در خاورمیانه کار کرده بود و پیش‌زمینه وسیعی در کار پلیسی و کارآگاهی داشت در پوشش وابسته نظامی به ایران اعزام شد. ماموریت او سازمان دادن و فرماندهی یک واحد جدید اطلاعاتی بود که در آن زمان زیر نظر فرمانداری نظامی تهران تاسیس شد که در دسامبر ۱۹۵۳ زیر فرماندهی سرتیپ تیمور بختیار قرار گرفته بود. سرهنگ همکاری نزدیکی با بختیار و زیردستانش داشت، این واحد را فرماندهی می‌کرد و به اعضای آن فنون پایه‌ای اطلاعات از قبیل روش‌های مراقبت و بازجویی، عملیات شبکه‌های اطلاعاتی و امنیت سازمانی را یاد می‌داد. واحد اطلاعاتی بختیار، نخستین سازمان اطلاعاتی امروزی و کارآمد بود که در ایران عمل می‌کرد. طبق نوشته‌های او سرهنگی که از ارتش آمریکا به ایران فرستاده شده بود تا مارس ۱۹۵۵ [۱۳۳۴] در ایران ماند و در این زمان با دسته ثابت‌تری از ۵ افسر سیا جایگزین شد تا سال بعد که شاه پس از مشورت با مقام‌های آمریکا تصمیم گرفت این واحد اطلاعاتی را تجدید سازمان کند و گسترش دهد. سازمان جدید که ساواک نام گرفت تحت فرماندهی بختیار قرار داشت که معاون نخست‌وزیر شد

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۳۰

جمعه ۷ دی

حمله آمریکا به روستاهای افغانستان

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. مهدی گفت، بخش اعظم [کتاب کارنامه و] خاطرات سال ۱۳۶۲ [آرامش و چالش] را برای ویراستاری بررسی کرده است. مجادله بر سر محاکمه نمایندگان مجلس داغ است؛ احزاب مشارکت و مجاهدین انقلاب مخالفت کرده‌اند ولی در نمازهای‌جمعه امروز، اکثر ائمه‌جمعه تایید کرده‌اند و آقای [محمد] یزدی در نمازجمعه تهران و آقای [علی] مشکینی در [نمازجمعه] قم از توقعات بی‌جا و حرف‌های نمایندگان چپ [مجلس ششم] انتقاد کرده‌اند.

آقای شاه‌رودی، [رئیس قوه قضائیه] هم دیشب صریحاً اعلام کرد که نمایندگان مصونیت قضایی ندارند و فقط برای انجام وظایف مورد تعرض قرار نمی‌گیرند. بیانیه دادگستری تهران، صریح و تند، خواسته‌های نمایندگان را رد کرد و نمونه‌هایی از اظهارات آنها را توهین، کذب و جرم اعلام کرد و زیاده‌خواهی و امتیازطلبی ناروا خواند. دیروز در همدان، جمعی از دانشجویان-حدود ۲۰۰ نفر- به نفع آقای [حسین] لغمانیان، [نماینده همدان] شعارهایی چون «لامعمر زنده باد، جنتی پاینده باد» و «هاشمی‌عراقی، استعفا استعفا» دادند. رسانه‌های خارجی هم علیه قوه قضائیه می‌نویسند و می‌گویند.

آمریکا، دیروز و امروز به بعضی روستاهای افغانستان حمله هوایی کرده و [حامد] کرزی، [رئیس دولت موقت] گفته با سرکوب شدن تروریست‌ها و طالبان، دیگر نباید افغانستان بمباران شود. روسیه با حضور نیروهای نظامی آمریکا در آسیای میانه مخالفت کرده ولی آمریکا به رغم ختم جنگ در افغانستان به آوردن نیرو در کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان و گرفتن پایگاه ادامه می‌دهد که می‌توانند دلیلی بر اظهارات آقای عالیشاهی [مبنی بر نقش اصلی روسیه در حملات ۱۱ سپتامبر] باشد.

فشار بر فلسطینی‌ها توسط اسرائیل ادامه دارد. سه ماه بعد از انفجارات [حمله به مرکز تجارت جهانی در] ۲۰ شهریور [= ۱۱ سپتامبر] نیویورک، آتش‌سوزی در زیرآوارها خاموش شده و رکود در برنامه‌های حمل و نقل هوایی غرب ادامه دارد. اوپک، امروز با کم کردن [تولید] ۱/۵ میلیون بشکه در روز موافقت کرد و غیراوپک هم با کم کردن ۵۰۰ هزار بشکه و نتیجتاً قیمت نفت حرکت صعودی گرفت.

شنبه ۸ دی

درگیری قوه قضائیه و مجلس

در جلسه مجمع [تشخیص مصلحت نظام] بقیه بندهای سیاست کلی امنیت ملی تصویب شد؛ ۱۲ جلسه صرف آن شده بود. ظهر، جلسه معمول با آقای [عباس واعظ] طبسی و بقیه داشتیم. در مورد درگیری‌های قوه قضائیه و مجلس بحث شد. احتمال تشدید آن وجود دارد و آقای [علی‌اکبر] ناطق [نوری] از طریق قاضی [سیدهادی] حسینی در مورد پرونده [شهرام] جزایری و مسایل کرج [= ماجرای خانه هدایت و سوءاستفاده از دختران] اطلاعاتی ارایه داد و گفت، افسردی مثل آقای هادی خامنه‌ای هم با جزایری مطرح بودند که بعداً مطرح می‌شود و از موضوعی که به اسم «آزاده‌ها» راه افتاده است، انتقاد شد.

تقویم

عبور آرام از قواعد ثابت مردانه

درباره پروین اعتصامی



پروین اعتصامی ازجمله زنانی بود که در دوران حکومت رضاخان درخشید و با نگرشی زنانه به سرودن اشعار سیاسی پرداخت. او در قالب قصیده و قطعه، ادبیات کهن فارسی و ادبیات نوین غرب را ترکیب کرد و در اشعار اعتراضی خود هم لحنی نرم و زنانه به کار می‌برد. پروین اعتصامی در بیست‌وپنجمین روز اسفند سال ۱۲۸۵ به دنیا آمده بود و خیلی زود در ۳۵ سالگی بر اثر بیماری حصه از دنیا رفت. از نظر ملک‌الشعراى بهار، سبک شعری پروین مستقل و چیده شده از دو سبک خراسانی در قصاید و عراقی در قطعات و مناظرات است. او در شعر شرایط اجتماعی آن روزگار، بی‌عدالتی و وضع زنان را به نقد می‌کشید و به گفته افشین اعلا، نخستین زن شاعری بود که توانست از قواعد ثابت و مردانه حاکم بر روح و زبان شعر، عبور کند و با زبان یک زن و لحن یک مادر شعر بگوید: «روح زنانه شعر پروین را باید در زوایای تودرتوی همه اشعار و نگاه زنانه او به همه مضامین اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی‌اش جست‌وجو کرد. عده‌ای دیگر نیز زنانه بودن روح اشعار پروین را انکار می‌کنند به این دلیل که نگاه‌شان به مقوله زنانگی در شعر، ابراز بی‌پروای تمایلات عاشقانه اما زنانه و گاه حتی مضامین اروتیک است. بدیهی است که نه از شاعری اخلاق‌مدار چون پروین می‌توان چنین انتظاری داشت، نه هیچ زن دیگری می‌توانست در آن برهه از این خطوط بگذرد. اشعار پروین از شاعران مرد هم دوره‌اش نیز یک سرورگردن بالاتر بود». تا پیش از پروین اعتصامی، اگرچه زنان شعر می‌سرودند اما اغلب با نام‌های مردانه آن‌را منتشر می‌کردند و فروغ فرخزاد پس از پروین، نخستین زنی بود که مضامین زنانه با بی‌پروایی درآمیخت و روحی عصیانگر را به ادبیات شعر ایران وارد کرد. سعید نفیسی، شاعر و پژوهشگر ادبیات فارسی برخی از ویژگی‌های شخصیتی پروین اعتصامی را این‌گونه توصیف کرده است: «پروینی که من دیدم و بارها دیدم بدین گونه بود: قیافه‌ای بسیار آرام داشت. با ثانی و وقار خاصی جواب می‌گفت و می‌نگریست. هیچ‌گونه شتاب و بی‌حوصلگی در او ندیدم. چشمانش بیشتر به زیر افکنده بود. یاد ندارم در برابر من خندیده باشد. وقتی که از شعر او، تحسین می‌کردم با کمال آرامش می‌پذیرفت. نه وجد و نشاطی می‌نمود و نه چیزی می‌گفت. هرگز یک کلمه خودستایی از او نشنیدم و رفتاری که بخواهد اندک نمایش برتری بدهد، از او ندیدم». در تبریز به دنیا آمده بود اما در کودکی به همراه خانواده به تهران آمد. پدر پروین، یوسف اعتصامی‌آشتیانی از نویسندگان و مترجمان مشهور اواخر عصر قاجاریه بود و در آن زمان ماهنامه ادبی «بهار» را منتشر می‌کرد و مادرش اختر فتوحی فرزند میرزا عبدالحسین، متخلص به «شوری» از شاعران دوره قاجار بود بنابراین ورود پروین به دنیای شعر و ادبیات هم چندان دور از انتظار نبود. گفته می‌شود که در سال ۱۳۱۵ مدال درجه ۳ لیاقت از طرف رضاشاه را قبول نکرد و حتی پیشنهاد رضاشاه را برای تدریس ملکه و ولیعهد نپذیرفت بنابراین زمانی که از دنیا رفت، دولت هیچ مراسمی برای بزرگداشت او برگزار نکرد.